

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن (۱)

رشته های ریاضی و فیزیک – علوم تجربی

پایه دهم

دوره دوم متوسطه



www.Daneshchi.iR

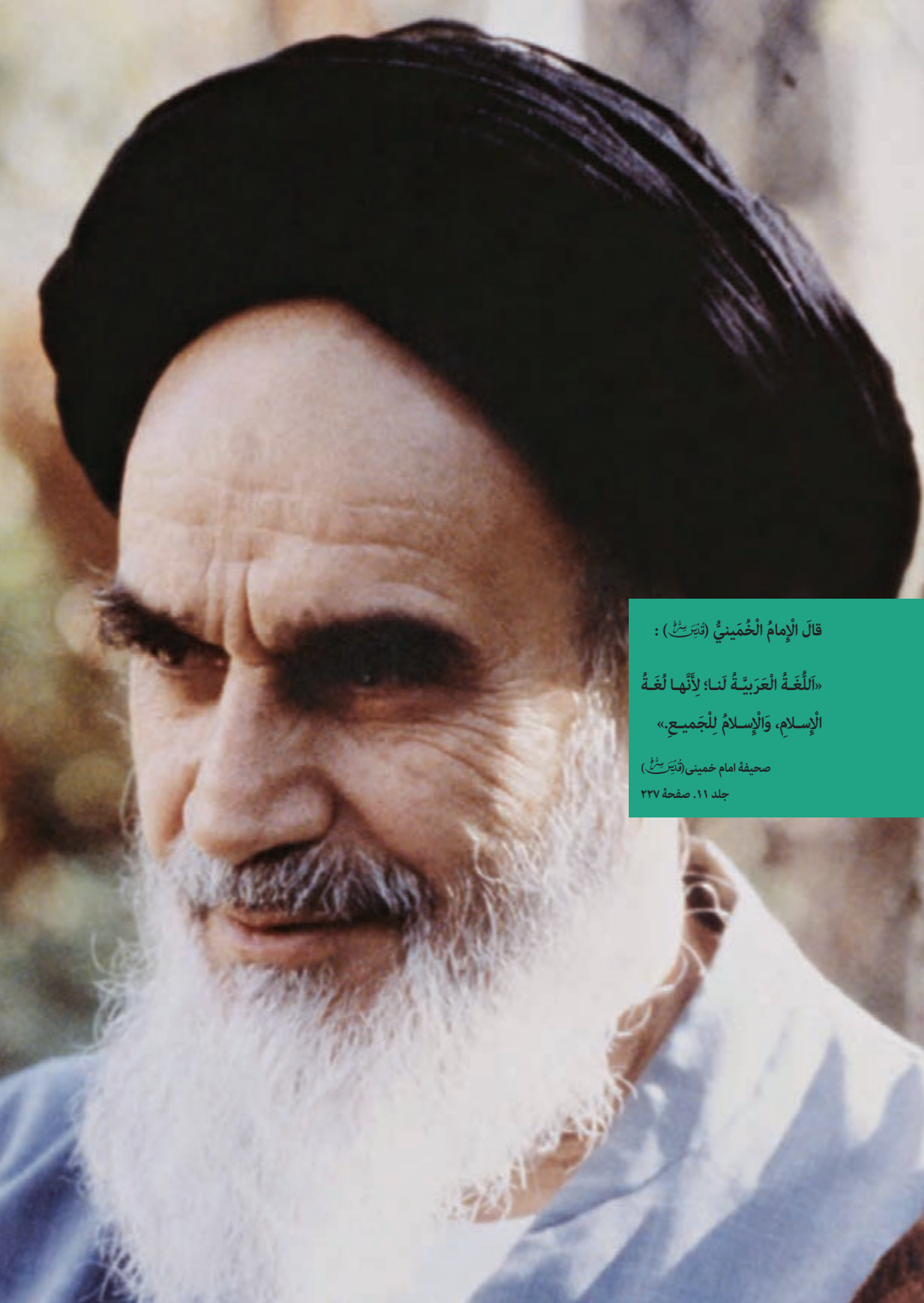




وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: عربی، زبان قرآن (۱) - پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۲۰۶
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: حبیب تقوایی، علی‌جان بزرگی، حسن حیدری، سیدمحمد دلبری، سیدمهدی سیف و فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: عادل اشکبوس، محی‌الدین بهرام محمدیان، علی چراغی، اباذر عباچی و حمید محمدی (اعضای گروه تألیف) - عادل اشکبوس (سرگروه تألیف) - سیداکبر میرجعفری (ویراستار)
- شناسه افزوده آماده‌سازی: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- نشانی سازمان: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذبیحی فرد (طراح گرافیک، طراح جلد و صفحه‌آرا) - محمد مهدی ذبیحی فرد، مراد فتحی (تصویرگر) - علی نجمی، سیف‌الله بیگ محمد دلیوند، فاطمه پزشکی، سپیده ملک ایزدی و ناهید خیام‌باشی (امور آماده‌سازی)
- ناشر: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) - تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ و وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) - تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپ انتشار و نوبت چاپ: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص» چاپ نهم ۱۴۰۳

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۴۹۹-۲
ISBN: 978-964-05-2499-2



قال الإمام الخميني (قده):

«اللغة العربية لنا؛ لأنها لغة

الإسلام، والإسلام للجميع.»

صحيفة امام خميني (قده)

جلد ١١. صفحة ٢٢٧

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

این کتاب تا پایان سال تحصیلی ۱۴۰۶-۱۴۰۵ تغییر نخواهد کرد.

الفهرس

■ بيشگفتار الف

■ الدرس الأول ١

----- ذاك هو الله + التعرف

■ الدرس الثاني ١٥

----- المواعظ العددية + الأعداد من واحد إلى مئة + في مطار النجف

■ الدرس الثالث ٢٩

----- مطر السمك + أشكال الأفعال (١) + في قسم الجوازات

■ الدرس الرابع ٤٧

----- التعايش السلمي + أشكال الأفعال (٢) + في صالة التفتيش

■ الدرس الخامس ٦٣

----- ﴿هذا خلق الله﴾ + الجملة الفعلية و الاسمية + مع سائق سيارة الأجرة

■ الدرس السادس ٧٩

----- ذوالقرنين + أفعال المجهول + مع مسؤول استقبال الفندق

■ الدرس السابع ٩١

يا من في البحار عجائبه + الجار و المجرور و نون الوقاية + مع مشرف

----- خدمات الفندق

■ الدرس الثامن ١٠٧

صناعة التلميع في الأدب الفارسي + اسم الفاعل و اسم المفعول و اسم المبالغة +

----- شراء شريحة الهاتف الجوال

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

شایسته است که دبیر عربی برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا نهم را تدریس یا به‌دقت مطالعه کرده باشد؛

۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد؛

۳. کتاب معلّم را با دقت کافی مطالعه و بررسی کرده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش نخستین کتاب «عربی، زبان قرآن (۱)» ویژه پایه دهم رشته‌های ریاضی و فیزیک و علوم تجربی به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم.

رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پروزش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا دهم متن محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز پایه دهم بتواند در پایان سال تحصیلی متون و عبارات ساده قرآنی را در حد ساختارهای خوانده‌شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند.

این کتاب با توجه به مصوّبات اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتب درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی هفتم تا دهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است.

هدف اصلی، فهم متن به‌ویژه فهم قرآن کریم و نیز متون دینی همانند احادیث، دعاها و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است به استناد برنامه درسی ملی؛ مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده؛ مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

(رعایت این تأکیدات در کنکور و مسابقات علمی، امتحان نوبت اول و دوم و کتاب‌های کمک آموزشی الزامی است. این نوشته به منزله بخشنامه رسمی است.)

۱. کتاب عربی پایه دهم در هشت درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد. این مقدار زمان در مجموع برای تدریس کل کتاب در طول سال کفایت می‌کند.

۲. دانش‌آموز پایه دهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی، وزن و ریشه کلمات، اسم اشاره، کلمات پرسشی، و ساعت خوانی.

هدف از آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این است که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أخي العزيز» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده است.

در ساعت‌خوانی فقط ساعت کامل، ربع و نیم آموزش داده شده؛ مثلاً «چهار و بیست و پنج دقیقه» آموزش داده نشده است.

۳. درس اول دورهٔ آموخته‌های پیشین است و در هفت درس دیگر نیز این مرور انجام شده است.

۴. در درس دوم عددها آموزش داده می‌شود. در دورهٔ اول متوسطه عددهای اصلی و ترتیبی تا دوازده آموزش داده شده است. در این کتاب عددهای اصلی از یک تا صد و عددهای ترتیبی از یکم تا بیستم آموزش داده شده است. مباحث مطابقت عدد و معدود و ویژگی‌های معدود جزء اهداف آموزشی کتاب نیست.

۵. دانش‌آموزان در دورهٔ اول متوسطه با فعل‌های مجرد و مزید در کتاب درسی آشنا شده‌اند و در تمرینات فقط با صرف فعل‌های ثلاثی مجرد صحیح و سالم روبه‌رو شده‌اند؛ اما فعل‌های مزید، مهموز، مضاعف و معتل نیز در کتاب به کار رفته است؛ مانند اَمَنْ، اِيتَسَمَ، اَتَى، اَجَابَ، اَحَبَّ، اِحْتَقَقَ، اِشْتَرَى، اَصَابَ، اَعْطَى، تَخَرَّجَ، حَاوَلَ، حَدَرَ، زَادَ و ... هدف آموزشی درس سوم و چهارم این است که با استفاده از آموخته‌های سه سال اول با فعل‌هایی آشنا شوند که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است. ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید و تشخیص ثلاثی مجرد و مزید و ذکر نوع باب و صیغهٔ فعل از اهداف آموزشی نیست. **فعل‌های معتل، مهموز، مضاعف و هر گونه فعلی که تغییری پیچیدهٔ صرفی دارد از اهداف کتاب نیست؛ مثلاً در کتاب فعل «استفاد» به کار رفته و فعل استفعل نیز آموزش داده شده است؛ از فعل استفاد سؤال طرح نمی‌شود؛ ولی اگر معنای استفادت را در جمله بخواهیم، اشکالی ندارد؛ چون تغییری در مقایسه با استفاد ندارد.**

۶. در درس پنجم جملهٔ اسمیه و فعلیه تدریس می‌شود. هدف شناخت اجزای جمله یعنی فعل، فاعل، مفعول به، مبتدا و خبر است؛ اما قرار دادن اِعراب کلمات هدف نیست. کتاب کاملاً حرکت‌گذاری شده است تا دانش‌آموز با خواندن متون و عبارات ذوق پیدا کند و به تدریج با اِعراب کلمات آشنا شود.

۷. در درس ششم فعل مجهول تدریس می‌شود. هدف این است که دانش‌آموز جمله‌های دارای فعل مجهول را درست معنا کند؛ تبدیل جملهٔ دارای فعل معلوم به مجهول و برعکس هدف نیست.

۸. در درس هفتم معانی حروف جر آموزش داده می‌شود. دانش‌آموز باید بتواند حروف جر و جار و مجرور را در جمله درست تشخیص داده و ترجمه کند.

۹. در درس هشتم مهم‌ترین وزن‌های اسم‌های مشتق تدریس می‌شود. فقط شناخت نوع آنها و دانستن معنایشان مطلوب است. تشخیص جامد از مشتق و ساختن اسم مشتق از فعل ارائه شده هدف کتاب نیست.

۱۰. نیازی به ارائهٔ جزوهٔ مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه لازم بوده در کتاب آمده است یا در سال‌های بعد خواهد آمد.

۱۱. پژوهش‌های هر درس، نمایش، سرود، ترجمهٔ تصویری و داستان‌نویسی، کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود.

۱۲. تحلیل صرفی و اِعراب، تعریب، تشکیل و اِعراب‌گذاری از اهداف کتاب درسی نیست.

۱۳. آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های متوسطهٔ اول بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این گونه بود: «هَوَ، هُمَا، هُمْ، هِيَ، هُمَا، هُنَّ، اَنْتَ، اَنْتُمَا، اَنْتُمْ، اَنْتِ، اَنْتُمَا، اَنْتُنَّ، اَنَا، نَحْنُ». شیوهٔ نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بود و دانش‌آموزان درس را بهتر آموختند.

۱۴. تبدیل «مذکر به مؤنث» یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست.

۱۵. معنای کلمات در امتحان در جمله خواسته می‌شود.

۱۶. در بخش أنوار القرآن فقط معنای کلماتی مدّ نظر است که به شکل «جای خالی»، «زیرخط‌دار» یا «دو گزینه‌ای» طرّاحی شده است. به عبارت دیگر معنای سایر کلمات، هدف نیست. ضمناً این بخش برای کار در منزل است و دبیر فقط در صورت داشتن وقت می‌تواند در کلاس کار کند؛ اما در هر حال در امتحان از آن سؤال طرح می‌شود.

۱۷. روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال نمره شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد.

۱۸. در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حلّ تمرین در نظر گرفته شده است تا به دفتر تمرین نیازی نباشد.

۱۹. از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا دانش‌آموزان با این شیوه از دوره اول متوسطه به دوره دوم متوسطه آمده‌اند.



نظرسنجی کتاب‌درسی

برای همه همکاران آرزوی موفقیت داریم.

اگر تمایل دارید از نظرات شما آگاه شویم؛ می‌توانید از طریق رمزینه سریع پاسخ نظرسنجی کتاب درسی پیغام بگذارید.

سخنی با دانش‌آموز

عربی را می‌آموزیم؛ زیرا زبان قرآن، حدیث و دعاست؛ زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان است؛ زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر زبان فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است؛ یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است؛ زبانی کامل، پرمعنا و قوی است؛ ادبیات آن غنی است و ...

این کتاب ادامه سه کتاب پیشین است. هرآنچه در سه سال گذشته آموخته‌اید در متون، عبارات و تمرین‌های این کتاب تکرار شده است. **ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماست** و دبیر نقش راهنما دارد. شما به راحتی می‌توانید متون را ترجمه کنید.

استفاده از کتاب کار توصیه نمی‌شود. برای یادگیری هر زبانی باید بسیار تکرار و تمرین کرد. اگر می‌خواهید در درس عربی موفق‌تر باشید، پیش مطالعه کنید.

هدف این کتاب فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید و درست بفهمید و ترجمه کنید، خودبه‌خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی می‌توانید در انشا و مقاله‌نویسی و به هنگام سخنرانی استفاده کنید.

در صفحه ورودی هر درس، با استفاده از رمزینه‌خوان می‌توانید به «کتاب گویا» و «فیلم آموزشی» آن درس دسترسی پیدا کنید.

ترجمه متون و عبارات کتاب و حلّ تمرین‌ها در کلاس به صورت گروهی است.



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



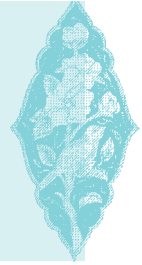
﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾ الْآنَعَامُ: ١

ستایش از آن خدایی است که آسمانها و زمین را آفرید و
تاریکیها و روشنائی را بنهاد.

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ

أَنْظُرْ لَيْلَكَ الشَّجَرَهُ ذَاتِ الْغُصُونِ النَّضِيرَهُ^١
كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ وَكَيْفَ صَارَتْ شَجَرَهُ
فَابْحَثْ وَقُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَهُ



وَأَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتُهَا مُسْتَعِيرَهُ
فِيهَا ضِيَاءٌ وَبِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَهُ
مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَهُ



ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ لَهُ
ذُو حِكْمَةٍ بِالْغَةِ وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَهُ

١- الشَّاعِرُ: مَعْرُوفُ الرِّضَايِّ، شَاعِرٌ عِرَاقِيٌّ مِنْ أَبِي كُرْدَيْي النَّسَبِ وَأُمُّ تَرْكَمَانِيَّةٍ، لَهُ أَتَارٌ كَثِيرَةٌ فِي النَّثْرِ وَالشُّعْرِ.



أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ
وَزَانَهُ بِأَنْجُمٍ كَالدَّرِّ الْمُنْتَشِرَةِ



وَأَنْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ

الْمُعْجَم: واژه نامه

اَنْجُم	ستارگان «مفرد: نَجْم»	ذات	دارای	قُلْ	بگو
اَنْزَلَ	نازل کرد	ذَاكَ	آن	مُسْتَعْرَةً	فروزان
اَنْعَمَ	نعمت‌ها «مفرد: نِعْمَةٌ»	ذو	دارای	مُنْهَمِرَةً	ریزان
اَوْجَدَ	پدید آورد	زَانَ	زینت داد	نَصْرَةً	تر و تازه
بَالِغٍ	کامل	شَرَرَةٍ	اخگر (پاره آتش)	نَمَتْ	رشد کرد «مؤنثِ نَمَا»
جَذَوَةٌ	پاره آتش	ضیاء	روشنایی	يُخْرِجُ	در می آورد
دُرَرٍ	مرواریدها «مفرد: دُرٌّ»	عُصُون	شاخه‌ها «مفرد: عُصَن»		
ذَا	این ← هَذَا مَنْ ذَا: «این کیست؟»	غَيْمٍ	ابر		

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار (التعارُف^۱ في مطارِ النَّجَفِ الأشرفِ)

أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ ^۲	زائرٌ مَرَقَدِ أميرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.	السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.
صَبَاحَ النُّورِ وَالسُّرُورِ.	صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي.
أَنَا بِخَيْرٍ، وَكَيْفَ أَنْتَ؟	كَيْفَ حَالُكَ؟
عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟	بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.
مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟	أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ.
إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ.	إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟
لا؛ مَعَ الْأَسَفِ. لَكِنِّي أُحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ ^۴ .	هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانٍ حَتَّى الْآنَ؟
إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّقَاءِ؛ مَعَ السَّلَامَةِ.	إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانِ!
فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي.	فِي أَمَانِ اللَّهِ.



۴- أَنْ أُسَافِرَ: كه سفر كنم

۳- مَطَار: فرودگاه

۲- قَاعَة: سالن

۱- تَعَارُف: آشنایی

اعلموا

صیغُ الأفعال

با نام گذاری صیغه های (ساخت های) فعل ها در دستور زبان عربی آشنا شوید.

نام صیغه ^۱ (ساخت) به فارسی و عربی	ماضی	مضارع	امر	نهی
اول شخص مفرد	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ		
دوم شخص مفرد	فَعَلْتِ	تَفْعَلُ	إِفْعَلْ	لا تَفْعَلْ
سوم شخص مفرد	فَعَلَتْ	تَفْعَلِينَ	إِفْعَلِي	لا تَفْعَلِي
اول شخص جمع	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ		
دوم شخص جمع	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	إِفْعَلُوا	لا تَفْعَلُوا
سوم شخص جمع	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ		
اول شخص مفرد	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ		
دوم شخص مفرد	فَعَلْتِ	تَفْعَلُ	إِفْعَلْ	لا تَفْعَلْ
سوم شخص مفرد	فَعَلَتْ	تَفْعَلِينَ	إِفْعَلِي	لا تَفْعَلِي
اول شخص جمع	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ		
دوم شخص جمع	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	إِفْعَلُوا	لا تَفْعَلُوا
سوم شخص جمع	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ		
اول شخص مفرد	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ		
دوم شخص مفرد	فَعَلْتِ	تَفْعَلُ	إِفْعَلْ	لا تَفْعَلْ
سوم شخص مفرد	فَعَلَتْ	تَفْعَلِينَ	إِفْعَلِي	لا تَفْعَلِي
اول شخص جمع	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ		
دوم شخص جمع	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	إِفْعَلُوا	لا تَفْعَلُوا
سوم شخص جمع	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ		
اول شخص مفرد	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ		
دوم شخص مفرد	فَعَلْتِ	تَفْعَلُ	إِفْعَلْ	لا تَفْعَلْ
سوم شخص مفرد	فَعَلَتْ	تَفْعَلِينَ	إِفْعَلِي	لا تَفْعَلِي
اول شخص جمع	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ		
دوم شخص جمع	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	إِفْعَلُوا	لا تَفْعَلُوا
سوم شخص جمع	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ		

۱- ارزشیابی از نام صیغه به صورت اول شخص مفرد، مفرد مذکر غایب یا للغائب از اهداف کتاب درسی نیست؛

لذا در امتحانات و کنکور از آن سؤال طرح نمی شود.

تَرْتِيبُ الْأَفْعَالِ وَالضَّمَائِرِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

أَلْيَعِيَّة	الضَّمِيرُ الْمُنْفَصِلُ	الضَّمِيرُ الْمُتَّصِلُ	الْفِعْلُ الْمَاضِي	الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ	فِعْلُ الْأَمْرِ	فِعْلُ النَّهْيِ
١	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	هُوَ	هُ	فَعَلَ	يَفْعُلُ	
٢	الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	هُمَا	هُمَا	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ	
٣	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	هُمْ	هُمْ	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ	
٤	الْمُفْرَدُ الْمُؤَنَّثُ الْغَائِبُ	هِيَ	هَا	فَعَلَتْ	تَفْعُلُ	
٥	الْمُثَنَّى الْمُؤَنَّثُ الْغَائِبُ	هُمَا	هُمَا	فَعَلَتَا	تَفْعَلَانِ	
٦	الْجَمْعُ الْمُؤَنَّثُ الْغَائِبُ	هُنَّ	هُنَّ	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ	
٧	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	أَنْتَ	كَ	فَعَلْتَ	تَفْعُلُ	لَا تَفْعُلُ
٨	الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	أَنْتُمَا	كُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	لَا تَفْعَلَا
٩	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	أَنْتُمْ	كُمْ	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	لَا تَفْعَلُوا
١٠	الْمُفْرَدُ الْمُؤَنَّثُ الْمُخَاطَبُ	أَنْتِ	كِ	فَعَلْتِ	تَفْعَلِينَ	لَا تَفْعَلِي
١١	الْمُثَنَّى الْمُؤَنَّثُ الْمُخَاطَبُ	أَنْتُمَا	كُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	لَا تَفْعَلَا
١٢	الْجَمْعُ الْمُؤَنَّثُ الْمُخَاطَبُ	أَنْتُنَّ	كُنَّ	فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلْنَ	لَا تَفْعَلْنَ
١٣	الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	أَنَا	سِي	فَعَلْتُ	أَفْعُلُ	
١٤	الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	نَحْنُ	نَا	فَعَلْنَا	نَفْعُلُ	



إِعْلَمُوا

الضَّمَائِر

مثال	ضمير متصل	ضمير منفصل
من و خانواده ام	أَنَا و أُسْرَتِي	أنا
من	ي	م، - من
تو و دوست	أَنْتَ و صَدِيقُكَ أَنْتِ و صَدِيقَتُكَ	أَنْتَ أَنْتِ
تو	كَ كِ	ت، - تو
او و هم کلاسی اش	هُوَ و زَمِيلُهُ هِيَ و زَمِيلَتُهَا	هُوَ هِيَ
او	هُ هَا	ش، - او
ما و مدرسه ما	نَحْنُ و مَدْرَسَتُنَا	نَحْنُ
ما	نَا	مان، - ما
شما و دوستانتان	أَنْتُمْ و أَصْدِقَاؤُكُمْ أَنْتَنَّ و صَدِيقَاتُكُنَّ أَنْتُمَا و صَدِيقَاكُمَا أَنْتُمَا و صَدِيقَاتَاكُمَا	أَنْتُمْ أَنْتَنَّ أَنْتُمَا أَنْتُمَا
شما	كُم كُنَّ كُمَا كُمَا	تان، - شما
ایشان و هم کلاسی هایشان	هُم و زَمَلَاؤُهُمْ هُنَّ و زَمِيلَاتُهُنَّ هُمَا و زَمِيلَاهُمَا هُمَا و زَمِيلَاتَاهُمَا	هُم هُنَّ هُمَا هُمَا
ایشان	هُم هُنَّ هُمَا هُمَا	شان، - ایشان

مَعْنَى الْأَفْعَالِ

نام صیغه (ساخت) به فارسی	ماضی	مضارع	امر	نهی
اوّل شخص مفرد	انجام دادم	فَعَلْتُ	انجام می‌دهم	أَفْعَلْ
دوم شخص مفرد	انجام دادی	فَعَلْتِ	انجام می‌دهی	تَفْعَلْ
سوم شخص مفرد	انجام داد	فَعَلَ	انجام می‌دهد	يَفْعَلْ
اوّل شخص جمع	انجام دادیم	فَعَلْنَا	انجام می‌دهیم	نَفْعَلْ
دوم شخص جمع	انجام دادید	فَعَلْتُمْ	انجام می‌دهید	تَفْعَلُونَ
سوم شخص جمع	انجام دادند	فَعَلُوا	انجام می‌دهند	يَفْعَلُونَ

انجام نده	انجام ندهی	انجام ندهد	انجام ندهید	انجام ندهند
لا تَفْعَلْ	لا تَفْعَلِي	لا تَفْعَلْ	لا تَفْعَلُوا	لا تَفْعَلُوا
لا تَفْعَلْنَ	لا تَفْعَلْنَ	لا تَفْعَلْنَ	لا تَفْعَلْنَ	لا تَفْعَلْنَ
لا تَفْعَلَا	لا تَفْعَلَا	لا تَفْعَلَا	لا تَفْعَلَا	لا تَفْعَلَا
لا تَفْعَلَا	لا تَفْعَلَا	لا تَفْعَلَا	لا تَفْعَلَا	لا تَفْعَلَا

اسم اشاره^۱

هَذَا الْفَلَّاحُ



این کشاورز
(مذکر)

هَذِهِ الْفَلَّاحَةُ



این کشاورز
(مؤنث)

هَؤُلَاءِ الْفَلَّاحُونَ
هَؤُلَاءِ الْفَلَّاحِينَ



این کشاورزان
(جمع مذکر)

هَؤُلَاءِ الْفَلَّاحَاتُ



این کشاورزان
(جمع مؤنث)

هَٰذَانِ الْفَلَّاحَانِ
هَٰذَيْنِ الْفَلَّاحَيْنِ



این کشاورزان
(مثنای مذکر)

هَاتَانِ الْفَلَّاحَتَانِ
هَاتَيْنِ الْفَلَّاحَتَيْنِ



این کشاورزان
(مثنای مؤنث)

۱- اسم اشاره دور برای «مفرد مذکر: ذَلِكَ» و برای «مفرد مؤنث: تِلْكَ» به معنای «آن» است.
اسم اشاره دور برای «جمع مذکر» و «جمع مؤنث» به صورت مشترک «أُولَٰئِكَ» است.

التمرين الأول: تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَ، وَ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

اَكْتُبْ رِسَالَتَكَ:

لَا تَكْتُبْ عَلَى الْجِدَارِ:

اَكْتُبُوا وَاجِبَاتِكُمْ:

هُنَّ لَا يَكْتُبْنَ بِسُرْعَةٍ:

سَأَكْتُبُ دَرْسِي:

إِنَّا سَوْفَ نَكْتُبُ أبحاثًا:

مَا كَتَبْتُمْ تَمَارِينَكُمْ:

كَانُوا يَكْتُبُونَ بِدِقَّةٍ:

التَّمرينُ الثَّاني: صَعِّ في الدَّائِرَةِ العَدَدَ المُناسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- ١- الشَّرَرَةُ ○ مِنِ الْأَحْجارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.
- ٢- الشَّمْسُ ○ جَذَوْتُهَا مُسْتَعِرَّةٌ، فيها ضياءٌ وَ بِها حَرارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.
- ٣- الْقَمَرُ ○ كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضياؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ.
- ٤- الْأَنْعَمُ ○ بُخارٌ مُتراكِمٌ في السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.
- ٥- الْغَيْمُ ○ مِنَ الْمَلابِسِ النَّسَائِيَّةِ ذاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.
- ٦- الْفُسْتانُ ○ قِطْعَةٌ مُنْفَصِلَةٌ عَنِ النَّارِ الْمُسْتَعِرَّةِ.
- ٧- الدُّرُّ ○

التَّمرينُ الثَّالثُ: صَعِّ هَذِهِ الْجُمْلَةَ وَ التَّرَكيبَ في مَكَانِها المُناسِبِ.

هُؤْلَاءِ فَائِزَاتُ / هُذَانِ الدَّلِيلانِ / تِلْكَ الْبَطَّارِيئُ / أُولَئِكَ الصَّالِحُونَ / هُؤْلَاءِ الْأَصْدِقَاءُ
هَاتَانِ زُجَاجَتَانِ

مثنى مؤنث	مثنى مذكر	مفرد مؤنث
جمع مكسر	جمع مؤنث سالم	جمع مذكر سالم

الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ : اُكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ.

١- نَاصِر، مَنصُور، أَنصار:

٢- صَبَّار، صَبُور، صَابِر:

الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ: صَعِّ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي الْفَرَاغِ الْمُنَاسِبِ. = ≠

ضياءَ / نامَ / ناجِحَ / مَسرُورَ / قَرِيبَ / جَمِيلَ / نِهَايَةَ / يَمِينِ / غَالِيَةَ / شِراءَ / مَسْمُوحَ / مُجِدِّ

رَخِيصَةً ≠	رَاسِبٌ ≠	يَسَارٌ ≠
بَيْعٌ ≠	بِدَايَةٌ ≠	بَعِيدٌ ≠
رَقَدَ =	قَبِيحٌ ≠	نُورٌ =
حَزِينٌ ≠	مُجْتَهِدٌ =	مَمْنُوعٌ ≠

الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: ارْسُمْ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ.



السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعًا



الثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ



الْخَامِسَةُ وَ الرَّبْعُ

١- فَرَاغٌ: جَاي خَالِي

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ فِي الْإِنْتَرِنِتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ أَوْ جُمْلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظْمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرْجِمْهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيِّ.

جبال کبرکوه في مَدِينَةِ بَدْرَةِ بِمُحَافَظَةِ إِيْلَام



﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾

آلِ عِمْرَانَ: ١٩١

١- مُسْتَعِينًا بِ: بِاِستفاده از

شاطئ كوشكنار في محافظة هرمزجان



عين راميان في محافظة غلستان



وادي دلفارد في محافظة كرمان





الدَّرْسُ الثَّانِي



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً.

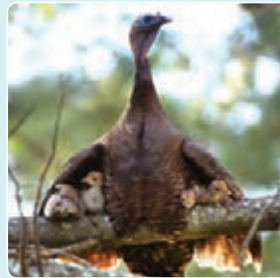
ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است.

أَلْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ



سَبْعٌ يَجْرِي لِلْعَبْدِ أَجْرُهُنَّ وَهُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ: مَنْ عَلَّمَ عِلْماً، أَوْ أَجْرَى نَهْراً، أَوْ حَفَرَ بَيْتاً، أَوْ غَرَسَ نَخْلاً، أَوْ بَنَى مَسْجِداً، أَوْ وَرَثَ مُصْحَفاً، أَوْ تَرَكَ وَلَداً يَسْتَغْفِرُ لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ.

جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِئَةً جُزْءٍ، فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ جُزْءاً وَأَنْزَلَ فِي الْأَرْضِ جُزْءاً وَاحِداً، فَمِنْ ذَلِكَ الْجُزْءِ يَتَرَاخُمُ الْخَلْقُ.



﴿إِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْإِثْنَيْنِ، وَطَعَامُ الْإِثْنَيْنِ يَكْفِي الثَّلَاثَةَ وَالْأَرْبَعَةَ،

كُلُوا جَمِيعاً وَلَا تَفْرَقُوا، فَإِنَّ الْبَرَكَهَ مَعَ الْجَمَاعَةِ.



﴿إِثْنَانِ خَيْرٌ مِنْ وَاحِدٍ وَثَلَاثَةُ خَيْرٍ مِنْ اثْنَيْنِ وَأَرْبَعَةُ خَيْرٍ مِنْ ثَلَاثَةٍ؛ فَعَلَيْكُمْ

بِالْجَمَاعَةِ.



﴿مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً، ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.

﴿أَرْبَعَةٌ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَالْوَجْعُ وَالْعَدَاوَةُ وَالتَّارُ.

﴿الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ، تِسْعَةُ أَجْزَاءٍ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.

١- لَا تَفْرَقُوا ← لَا تَفْرَقُوا: پراکنده نشوید

آفریدگان به هم مهربانی می‌کنند	يَتَرَا حَمُّ الْخَلْقِ	کاشت	عَرَسَ	جاری کرد	أَجْرِي
جاری است ، جاری می‌شود	يَجْرِي	بخورید	كُلُوا	مُخلص شد، یکرنگ شد	أَخْلَصَ
آمرزش می‌خواهد	يَسْتَغْفِرُ	پراکنده نشوید	لَا تَفَرَّقُوا	به‌دست گرفت و نگه داشت	أَمْسَكَ
بس است	يَكْفِي	صد	مِئَةً	ساخت	بَنَى
برای دو نفر بس است	يَكْفِي الْاِثْنَيْنِ	به ارث گذاشت	وَرَّثَ	یاد داد	عَلَّمَ
جوی‌های پر آب، چشمه‌ها «مفرد: يَنْبُوع»	يَنْابِيع				



عَيْنُ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- يَجْرِي أَجْرٌ حَفَرِ الْبَيْرِ لِلْعَبْدِ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ.

۲- أَنْزَلَ اللَّهُ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ جُزْءًا مِنَ الرَّحْمَةِ لِلْخَلْقِ.

۳- الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ، جُزْءٌ وَاحِدٌ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.

۴- يَجْرِي أَجْرُ اسْتِغْفَارِ الْوَلَدِ لِلْوَالِدَيْنِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا.

۵- إِنَّ طَعَامَ الْاِثْنَيْنِ لَا يَكْفِي الثَّلَاثَةَ.

إِعْلَمُوا الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ

الْأَعْدَادُ الْأَصْلِيَّةُ (وَاحِدٌ إِلَى عَشْرِينَ)		الْأَعْدَادُ التَّرْتِيبِيَّةُ (الْأَوَّلُ إِلَى الْعَشْرِينَ)	
وَاحِدٍ ١	أَحَدَ عَشَرَ ١١	الْأَوَّلُ ١م	الْأَحَدِي عَشَرَ ١١م
إِثْنَانِ ٢	إِثْنَا عَشَرَ ١٢	الْثَّانِي ٢م	الْثَّانِي عَشَرَ ١٢م
ثَلَاثَةٌ ٣	ثَلَاثَةَ عَشَرَ ١٣	الْثَّالِثُ ٣م	الْثَّالِثُ عَشَرَ ١٣م
أَرْبَعَةٌ ٤	أَرْبَعَةَ عَشَرَ ١٤	الرَّابِعُ ٤م	الرَّابِعُ عَشَرَ ١٤م
خَمْسَةٌ ٥	خَمْسَةَ عَشَرَ ١٥	الْخَامِسُ ٥م	الْخَامِسُ عَشَرَ ١٥م
سِتَّةٌ ٦	سِتَّةَ عَشَرَ ١٦	الْسَّادِسُ ٦م	الْسَّادِسُ عَشَرَ ١٦م
سَبْعَةٌ ٧	سَبْعَةَ عَشَرَ ١٧	السَّابِعُ ٧م	السَّابِعُ عَشَرَ ١٧م
ثَمَانِيَةٌ ٨	ثَمَانِيَةَ عَشَرَ ١٨	الْثَّامِنُ ٨م	الْثَّامِنُ عَشَرَ ١٨م
تِسْعَةٌ ٩	تِسْعَةَ عَشَرَ ١٩	التَّاسِعُ ٩م	التَّاسِعُ عَشَرَ ١٩م
عَشْرَةٌ ١٠	عِشْرُونَ ٢٠	الْعَاشِرُ ١٠م	الْعِشْرُونَ ٢٠م
			مِئَةٌ ١٠٠

١- به کلمات «رِجَالٍ» و «کُؤْبَا» در «خَمْسَةُ رِجَالٍ» و «أَحَدَ عَشَرَ کُؤْبَا» معدود^١ گفته می‌شود.

٢- گاهی عددهای ثَلَاثَةٌ تا عَشْرَةٌ بدون «ة» می‌آیند؛ مثال: ثَلَاثٌ و ثَلَاثَةٌ؛ أَرْبَعٌ و أَرْبَعَةٌ.

٣- «مِئَةٌ» به معنای «صد» به صورت «مِائَةٌ» نیز نوشته می‌شود.

٤- عددهای عِشْرُونَ، ثَلَاثُونَ، أَرْبَعُونَ ... و تِسْعُونَ به صورت عِشْرِينَ، ثَلَاثِينَ، أَرْبَعِينَ ... و تِسْعِينَ نیز می‌آیند.

٥- در زبان عربی یکان پیش از دهگان می‌آید؛ مثال: «خَمْسَةُ وَعِشْرُونَ» یعنی «پنجاه و پنج».

٦- وزن «الْفَاعِل» در عددهای ترتیبی «الْثَّانِي» تا «الْعَاشِر» به تشخیص آنها از عددهای اصلی، کمک می‌کند.

١- دانستن قواعد معدود از اهداف کتاب نیست.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.

﴿ثَلَاثِينَ لَيْلَةً﴾ الأعراف: ١٤٢

﴿سَبْعِينَ رَجُلًا﴾ الأعراف: ١٥٥

﴿سَبْعَةُ أَبْوَابٍ﴾ الْحَجَر: ٤٤

﴿سِتِّينَ مِسْكِينًا﴾ الْمُجَادَلَة: ٤

﴿سِتَّةَ أَيَّامٍ﴾ ق: ٣٨

﴿مِئَةَ حَبَّةٍ﴾ الْبَقَرَة: ٢٦١

﴿أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا﴾ يُونُس: ٤

﴿إِثْنَا عَشَرَ شَهْرًا﴾ التَّوْبَة: ٣٦

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار (في مطار النجف الأشرف)

سائح ^۱ من إيران	سائح من الكويت
السلام عليكم.	و عليكم السلام ورحمة الله وبركاته.
مساء الخير يا حبيبي.	مساء النور يا عزيزي.
هل حضرتك من العراق؟	لا؛ أنا من الكويت. أنت من باكستان؟
لا؛ أنا إيراني. كم مرة جئت للزيارة؟	جئت للمرة الأولى؛ و كم مرة جئت أنت؟
أنا جئت للمرة الثانية.	كم عمرك؟
عمري ستة عشر عاماً.	من أي مدينة أنت؟
أنا من مدينة جوبيار في محافظة مازندران.	ما أجمل ^۲ غابات مازندران و طبيعتها!
هل ذهبت إلى إيران من قبل؟!	نعم؛ ذهبت لزيارة الإمام الرضا، ثامن أئمتنا عليه السلام .
كيف وجدت إيران؟	إن إيران بلاد جميلة جداً، و الشعب ^۳ الإيراني شعب مضياف ^۴ .



۱- سائح: گردشگر ۲- ما أجمل: چه زیباست! ۳- شعب: ملت ۴- مضياف: مهمان‌دوست

التمرين الأول: اكتبِ العَمَلِيَّاتِ الحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ.

(+ زائد^١) (- ناقص^٢) (÷ تقسيمٌ عَلَى) (× في، ضربٌ فِي)

١- عَشْرَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي^٤ ثَلَاثِينَ.

$$10 \times 3 = 30$$

٢- تِسْعُونَ نَاقِصٌ عَشْرَةٌ يُسَاوِي ثَمَانِينَ.

٣- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى خَمْسَةٍ يُسَاوِي عِشْرِينَ.

٤- سِتَّةٌ فِي أَحَدٍ عَشَرَ يُسَاوِي سِتَّةً وَ سِتِّينَ.

٥- خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ زَائِدٌ خَمْسَةٍ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي مِئَةً.

٦- اِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اِثْنَيْنِ يُسَاوِي وَاحِدًا وَ أَرْبَعِينَ.

التمرين الثاني: اكتبِ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا تَرْتِيبِيًّا مُنَاسِبًا.

١- الْيَوْمُ الـ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْوَاحِدِ.

٢- الْيَوْمُ الـ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْخَمِيسِ.

٣- الْفَصْلُ الـ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الشِّتَاءِ.

٤- الْفَصْلُ الـ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الْخَرِيفِ.

٥- يَأْخُذُ الْفَائِزُ الْأَوَّلُ جَائِزَةً ذَهَبِيَّةً، وَ الْفَائِزُ الـ جَائِزَةً فَضِيَّةً.

٣- برای اختصار کلمه «ضرب» در «ضرب في» حذف می شود.

١- زائد: به علاوه ٢- ناقص: منهای

٤- يساوي: مساوی است

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: اُكْتُبْ فِي الْفَرَاقَاتِ أَعْدَادًا مُنَاسِبَةً.

مِنْ وَاحِدٍ إِلَى ثَلَاثِينَ				
.....	أَرْبَعَةٌ	ثَلَاثَةٌ		وَاحِدٌ
عَشْرَةٌ	تِسْعَةٌ		سَبْعَةٌ	
.....	أَرْبَعَةَ عَشَرَ	ثَلَاثَةَ عَشَرَ		أَحَدَ عَشَرَ
عِشْرُونَ		ثَمَانِيَةَ عَشَرَ	سَبْعَةَ عَشَرَ	
.....	أَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ		إِثْنَانِ وَعِشْرُونَ	وَاحِدٌ وَعِشْرُونَ
ثَلَاثُونَ		ثَمَانِيَةٌ وَعِشْرُونَ		سِتَّةٌ وَعِشْرُونَ

مِنْ عِشْرِينَ إِلَى تِسْعِينَ			
خَمْسُونَ	أَرْبَعُونَ		عِشْرُونَ
تِسْعُونَ		سَبْعُونَ	



التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: ضَعُ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا مُنَاسِبًا مِنَ الْأَعْدَادِ التَّالِيَةِ ثُمَّ تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ».

عَشْرُ / مِئَةٌ / خَمْسُ / عِشْرِينَ / خَمْسِينَ / ثَلَاثَةٌ

١- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا^١ نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ^٢ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا عامًا﴾ الْعَنْكَبُوتُ: ١٤

٩٥٠ سال

٢- ﴿مَنْ جَاءَنَا^٣ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ أَثْمَالُهَا﴾ الْأَنْعَامُ: ١٦٠

٣- الصَّبْرُ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ، وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ.
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- عِلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ: الْوَرَعُ فِي الْخُلُوعِ، وَ الصَّدَقَةُ فِي الْقِلَّةِ، وَ الصَّبْرُ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَ الْحِلْمُ^٤ عِنْدَ الْغَضَبِ، وَ الصَّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ. الْأِمَامُ السَّجَّادُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٤- حِلْمٌ: بردباری

٣- جَاءَ بِ: آورد

٢- لَبِثَ: اقامت کرد، ماند

١- أَرْسَلْنَا: فرستادیم

الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ ...

١- ... الْكَلْبُ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعٍ^١ صَوْتِ السَّاعَةِ مِنْ مَسَافَةٍ أَرْبَعِينَ قَدَمًا؟

٢- ... النَّمْلَةُ^٢ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ^٣ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً؟

٣- ... ثَمَانِينَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشَرَاتٌ؟

٤- ... الْغُرَابُ يَعِيشُ ثَلَاثِينَ سَنَةً أَوْ أَكْثَرَ؟

٥- ... طَوْلُ قَامَةِ الزَّرَافَةِ سِتَّةُ أَمْتَارٍ^٤؟



١- سَمَاع: شنیدن ٢- نَمْلَة: مورچه ٣- يَفُوقُ: بالاتر است از ٤- أَمْتَار: جمع متر

التَّمرينُ السَّادِسُ: اُكْتُبِ السَّاعَةَ بِالْأَرْقَامِ.

١- الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ إِلَّا عَشَرَ دَقَائِقَ.

٢- السَّابِعَةُ وَ عِشْرُونَ دَقِيقَةً.

٣- الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ تَمَاماً.

٤- السَّادِسَةَ إِلَّا رُبْعاً.

٥- الْخَامِسَةَ وَ النِّصْفَ.



كَمِّلِ الْفَرَاجَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

۱- ﴿رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي﴾ طه: ۲۵ إلى ۲۸

پروردگارا را برایم بگشای و کارم را آسان گردان
و گره از بگشا [تا] سخنم را بفهمند.

۲- ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾
الْبَقَرَة: ۲۰۱

ای پروردگار ما، در دنیا به ما نیکی و [نیز] نیکی بده و ما را
از عذاب نگاه دار.

۳- ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ الْبَقَرَة: ۱۱۰

و را برای دارید و زکات بدهید و هرچه را از کار نیک برای
..... پیش بفرستید، خدا می یابید.

۴- ﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ الْبَقَرَة: ۲۵۰

پروردگارا صبر عطا کن و استوار کن و ما را
بر مردم کافر

﴿ اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ ﴾

إِبْحَثْ عَنْ آيَةٍ وَاحِدَةٍ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ وَ حَدِيثٍ وَاحِدٍ فِي نَهْجِ الْفَصَاحَةِ
فِيهِمَا عَدَدٌ، عَلَى حَسَبِ ذَوْقِكَ.



﴿ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ﴾

الْمُرْئَل: ٢٠



الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَاباً فَيَبْسُطُهُ فِي

السَّمَاءِ...﴾ الرُّوم: ٤٨

خدا همان کسی است که بادهای را می‌فرستد و [بادها] ابری را
برمی‌انگیزند و [خدا] آن [ابر] را در آسمان می‌گستراند.

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

مَطَرُ السَّمَكِ

هَلْ تُصَدِّقُ أَنَّ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَساقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟!

إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ وَ الثَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛

وَلَكِنْ أَيْمُكُنْ أَنَّ تَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟!

هَلْ تَظُنُّ أَنَّ يَكُونُ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟!

حَسَنًا فَانْظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.



أَنْظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتَ تُشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِّرُ
 أَسْمَاكَ. يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرُ السَّمَكِ». حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ
 النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا.
 يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُورَاسِ فِي أَمْرِيكََا الْوُسْطَى.



تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحيانًا. فَيَشَاهِدُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ
 عَظِيمَةً وَرَعْدًا وَبَرْقًا وَرِيحًا قَوِيَّةً وَمَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ تُصْبِحُ
 الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِطَبْخِهَا وَتَنَاوُلِهَا.



حاول العلماء معرفة سر تلك الظاهرة العجيبة؛ فأرسلوا فريقاً لزيارة المكان
والتعرف على الأسماك التي تتساقط على الأرض بعد هذه الأمطار الشديدة، فوجدوا
أن أكثر الأسماك المنتشرة على الأرض من نوع واحد، ولكن الغريب في الأمر أن
الأسماك ليست متعلقة بالمياه المجاورة بل بمياه المحيط الأطلسي الذي يبعد
مسافة مئتي كيلومتر عن محل سقوط الأسماك.

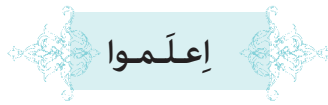
ما هو سبب تشكيل هذه الظاهرة؟! يحدث إعصار شديد فيسحب الأسماك إلى
السماء بقوة ويأخذها إلى مكان بعيد وعندما يفقد سرعته تتساقط على الأرض.
يحتفل الناس في الهندوراس بهذا اليوم سنوياً ويسمونه «مهرجان مطر السمك».

حیران کرد	حَيَّرَ	برانگیخت	أَنَارَ
کشید	سَحَبَ	جشن گرفت	إِحْتَفَلَ
نامید	سَمَّى	شد	أَصْبَحَ
سیاه (مَوْنُثِ أَسْوَد)	سَوَّدَا	گردباد	إِعْصَارَ
سالانه	سَنَوِيَّ	آمریکای مرکزی	أَمْرِيكََا الْوُسْطَى
باور کرد	صَدَّقَ	باران بارید	أَمْطَرَ
تا باور کنی	حَتَّى تُصَدِّقَ	گستراند	بَسَطَ
پدیده «جمع: ظواهر»	ظَاهِرَةً	دور شد	بَعَدَ
فیلم «جمع: أفلام»	فِلمَ	می‌بینی، ببینی	تَرَى
اقیانوس اطلس	الْمُحِيطُ الْأَطْلَسِي	پی در پی افتاد	تَسَاقَطَ
پوشیده، فرش شده	مَفْرُوشَ	شناختن	التَّعَرُّفُ عَلَى
جشنواره	مِهْرَجَان	برف، یخ «جمع: ثُلُوج»	ثَلْجَ
پایین آمدن، بارش	نُزُولَ	بسیار خوب	حَسَنًا



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- يَحْتَفِلُ أَهَالِي الْهُندُوراس بِهَذَا الْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَ يُسَمُّونَهُ «مِهْرَجَانِ الْبَحْرِ».
- ۲- عِنْدَمَا يَفْقِدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ، تَتَسَاقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ.
- ۳- يَتَسَّ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ.
- ۴- إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ الثَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ.
- ۵- تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ.



أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (۱)

فعلها در زبان عربی بر اساس شکل «سوم شخص مفرد در فارسی» (مفرد مذکر غایب) به دو گروه تقسیم می‌شود.

گروه اول: فعل‌هایی که فقط از حروف اصلی تشکیل می‌شود.

گروه دوم: فعل‌هایی که علاوه بر حروف اصلی، حروف زائد دارد.

بیشتر فعل‌های «ماضی سوم شخص مفرد» که در متوسطه اول با آن آشنا شدید از سه حرف اصلی تشکیل می‌شد؛ مانند خَرَجَ، عَرَفَ، قَطَعَ و شَكَرَ. «ماضی سوم شخص مفرد» برخی فعل‌ها نیز بیشتر از سه حرف است؛ مانند اسْتَخْرَجَ، اعْتَرَفَ، انْقَطَعَ و تَشَكَّرَ.

در کتاب‌های عربی متوسطه اول تا حدودی با چنین فعل‌هایی آشنا شده بودید. اکنون با فعل‌هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیش از سه حرف است، بیشتر آشنا شوید.

الماضي	المضارع	الأمر	المصدر ^۱
اسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	اسْتَفْعِلْ	اسْتِفْعَال
اِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعِلْ	اِفْتِعَال
انْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	انْفَعِلْ	انْفِعَال
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّل

۱- دانش‌آموز باید وزن فعل‌ها و مصدرهای این جدول را حفظ باشد و توانایی تشخیص آنها را داشته باشد.

الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر	الْمَصَدَر
اِسْتَرْجَعَ: پس گرفت	يَسْتَرْجِعُ: پس می گیرد	اِسْتَرْجِعْ: پس بگیر	اِسْتِرْجَاع: پس گرفتن
اِسْتَعْلَ: کار کرد	يَسْتَعِلُّ: کار می کند	اِسْتَعِلْ: کار کن	اِسْتِعْلَال: کار کردن
اِنْفَتَحَ: باز شد	يَنْفَتَحُ: باز می شود	اِنْفَتَحْ: باز شو	اِنْفِتَاح: باز شدن
تَخَرَّجَ: دانش آموخته شد	يَتَخَرَّجُ: دانش آموخته می شود	تَخَرَّجْ: دانش آموخته شو	تَخَرُّج: دانش آموخته شدن

اِخْتَبَرِ نَفْسَكَ:

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

اِسْتَعْفَرَ:	يَسْتَغْفِرُ:	ماضي	مضارع
اِسْتَعْفِرْ:	اِسْتِغْفَار: آمرزش خواستن	امر	مصدر

اِعْتَذَرَ:	يَعْتَذِرُ:	ماضي	مضارع
اِعْتَذِرْ:	اِعْتِذَار: پوزش خواستن	امر	مصدر

اِنْقَطَعَ:	يَنْقَطِعُ:	ماضي	مضارع
اِنْقِطَعْ:	اِنْقِطَاع: بُريده شدن	امر	مصدر

تَكَلَّمَ:	يَتَكَلَّمُ:	ماضي	مضارع
تَكَلَّمْ:	تَكَلُّم: سخن گفتن	امر	مصدر

آنچه در یادگیری فعل‌ها مهم است شناسه‌هایی هستند که در سه سال گذشته با آنها آشنا شده‌اید.

یادآوری فعل ماضی که در پایه هفتم خواندید:

«تُ» در «فَعَلْتُ» (انجام دادم) مانند:

اِسْتَخْرَجْتُ اِكْتَسَبْتُ اِنْسَحَبْتُ تَعَلَّمْتُ

«تَ» در «فَعَلْتَ» (انجام دادی) مانند:

اِسْتَخْرَجْتَ اِكْتَسَبْتَ اِنْسَحَبْتَ تَعَلَّمْتَ

«-» در «فَعَلَ» (انجام داد) مانند:

اِسْتَخْرَجَ اِكْتَسَبَ اِنْسَحَبَ تَعَلَّمَ

«نا» در «فَعَلْنَا» (انجام دادیم) مانند:

اِسْتَخْرَجْنَا اِكْتَسَبْنَا اِنْسَحَبْنَا تَعَلَّمْنَا

«تُم» در «فَعَلْتُمْ» (انجام دادید) مانند:

اِسْتَخْرَجْتُمْ اِكْتَسَبْتُمْ اِنْسَحَبْتُمْ تَعَلَّمْتُمْ

«وا» در «فَعَلُوا» (انجام دادند) مانند:

اِسْتَخْرَجُوا اِكْتَسَبُوا اِنْسَحَبُوا تَعَلَّمُوا



اکنون با توجّه به شناسه ترجمه کنید.

اِسْتَغَلَّ:	کار کرد	اِسْتَغَلُّوا:	
تَعَلَّمَ:	یاد گرفت	تَعَلَّمْتُمْ:	
اِنْقَطَعَ:	بریده شد	اِنْقَطَعَتْ:	
اِسْتَغْفَرَ:	آمرزش خواست	اِسْتَغْفَرْنَا:	



یادآوری فعل مضارع که در پایه هشتم خواندید:

«أَ» در «أَفْعَلُ» (انجام می‌دهم) مانند: اُسْتَخْرِجُ اِكْتَسِبُ اَنْسَحِبُ اَتَعَلَّمُ
 «تَ» در «تَفْعَلُ» (انجام می‌دهی) مانند: تَسْتَخْرِجُ تَكْتَسِبُ تَنْسَحِبُ تَتَعَلَّمُ
 «يَ» در «يَفْعَلُ» (انجام می‌دهد) مانند: يَسْتَخْرِجُ يَكْتَسِبُ يَنْسَحِبُ يَتَعَلَّمُ
 «نَ» در «نَفْعَلُ» (انجام می‌دهیم) مانند: نَسْتَخْرِجُ نَكْتَسِبُ نَنْسَحِبُ نَتَعَلَّمُ
 «تَ» + «ریشه» + «وَنَ» در «تَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید) مانند:

تَسْتَخْرِجُونَ تَكْتَسِبُونَ تَنْسَحِبُونَ تَتَعَلَّمُونَ

«يَ» + «ریشه» + «وَنَ» در «يَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهند) مانند:

يَسْتَخْرِجُونَ يَكْتَسِبُونَ يَنْسَحِبُونَ يَتَعَلَّمُونَ

اکنون با توجّه به شناسه ترجمه کنید.



يَبْتَسِمُ:	لبخند می زند	يَبْتَسِمُونَ:
يَتَكَلَّمُ:	سخن می گوید	يَتَكَلَّمُونَ:
يَنْسَحِبُ:	عقب نشینی می کند	يَنْسَحِبُونَ:
يَتَعَلَّمُ:	یاد می گیرد	يَتَعَلَّمُونَ:



فِعْلُ الْأَمْرِ



در پایه نهم با فعل امر در سه وزن «إِفْعَلْ»، «إِفْعِلْ» و «أَفْعُلْ» آشنا شدید؛ مثال:

تَسْمَعُ: می شنوی	اسْمَعْ: بشنو	تَنْزِلُ: پایین می آیی	انْزِلْ: پایین بیا
تَلْعَبُ: بازی می کنی	الْعَبْ: بازی کن	تَعْرِفُ: می شناسی	اعْرِفْ: بشناس
تَذْهَبُ: می روی	ادْهَبْ: برو	تَكْتُبُ: می نویسی	اكتبْ: بنویس
تَعْمَلُ: کار می کنی	اعْمَلْ: کار کن	تَخْرُجُ: خارج می شوی	اخرجْ: خارج شو
تَجْلِسُ: می نشینی	اجلسْ: بنشین	تَنْظُرُ: نگاه می کنی	انظرْ: نگاه کن



اکنون با شکل‌های جدیدی از فعل امر آشنا شوید.

تَسْتَغْفِرُ: آمرزش می‌خواهی اِسْتَغْفِرُ: آمرزش بخواه

تَبْتَعدُ: دور می‌شوی اِبْتَعدُ: دور شو

نَسْحِبُ: عقب‌نشینی می‌کنی اِنْسَحِبُ: عقب‌نشینی کن

تَعَلِّمُ: یاد می‌گیری تَعَلِّمُ: یاد بگیر

آنچه در یادگیری فعل‌ها مهم است، نشانه‌هایی هستند که در پایه نهم با آنها آشنا شده‌اید.

اِبْتَعدُوا عَنِ الْكَسَلِ؛ اِسْتخدمُوا قُوَّتَكُمْ؛ تَعَلَّمُوا دُرُوسَكُمْ؛ لَا تَنْسَحِبُوا عَنِ اَدَاءِ واجِبِكُمْ.





یادآوری فعل امر که در پایه نهم خواندید:

- «نـ» در «إِفْعَلْ إِسْتَفْعَلْ اِفْتَعَلْ اِنْفَعَلْ تَفَعَّلْ» مانند:
- إِذْهَبْ اِسْتَخْرِجْ اِكْتَسِبْ اِنْسَحِبْ تَعَلَّمْ
- «ی» در «إِفْعَلْیَ اِسْتَفْعَلْیَ اِفْتَعَلْیَ اِنْفَعَلْیَ تَفَعَّلْیَ» مانند:
- إِذْهَبْیَ اِسْتَخْرِجْیَ اِكْتَسِبْیَ اِنْسَحِبْیَ تَعَلَّمْیَ
- «و» در «إِفْعَلُوا اِسْتَفْعَلُوا اِفْتَعَلُوا اِنْفَعَلُوا تَفَعَّلُوا» مانند:
- إِذْهَبُوا اِسْتَخْرِجُوا اِكْتَسِبُوا اِنْسَحِبُوا تَعَلَّمُوا
- «نـ» در «إِفْعَلْنَ اِسْتَفْعَلْنَ اِفْتَعَلْنَ اِنْفَعَلْنَ تَفَعَّلْنَ» مانند:
- إِذْهَبْنَ اِسْتَخْرِجْنَ اِكْتَسِبْنَ اِنْسَحِبْنَ تَعَلَّمْنَ
- «ا» در «إِفْعَلَا اِسْتَفْعَلَا اِفْتَعَلَا اِنْفَعَلَا تَفَعَّلَا» مانند:
- إِذْهَبَا اِسْتَخْرِجَا اِكْتَسِبَا اِنْسَحِبَا تَعَلَّمَا



اکنون با توجّه به شناسه ترجمه کنید.

.....: اِنْتَظِرُوا

تَنْتَظِرُونَ: منتظر می شوید

.....: تَعَجَّبِي

تَتَعَجَّبِينَ: تعجب می کنی

.....: اِسْتَخْرِجْنَ

تَسْتَخْرِجْنَ: خارج می کنید



در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جواز

(في قِسْمِ الْجَوَازَاتِ^۱ فِي الْمَطَارِ)

شُرْطِي إِدَارَةِ الْجَوَازَاتِ	الْمُسَافِرُ الْإِيرَانِي
أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟	نَحْنُ مِنْ إِيْرَانٍ وَ مِنْ مَدِيْنَةِ زَابُل.
مَرْحَبًا بِكُمْ ^۲ . شَرَفْتُمُونَا ^۳ .	أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي.
مَا شَاءَ اللَّهُ! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا!	أَحِبُّ هَذِهِ اللُّغَةَ. الْعَرَبِيَّةُ جَمِيلَةٌ.
كَمْ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ ^۴ ؟	سِتَّةٌ: وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ ^۵ .
أَهْلًا بِالضُّيُوفِ. هَلْ عِنْدَكُمْ بَطَاقَاتُ ^۶ الدُّخُولِ؟	نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِطَاقَتُهُ بِيَدِهِ.
الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْيَسَارِ لِلتَّفْتِيْشِ ^۷ .	عَلَى عَيْنِي.
رَجَاءً؛ اجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ.	نَحْنُ جَاهِزُونَ ^۸ .



۱- جواز: گذرنامه ۲- مَرْحَبًا بِكُمْ: خوش آمدید ۳- شَرَفْتُم: مشرف فرمودید ۴- مُرَافِق: همراه ۵- وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ: پدر و مادر، دو خواهرم و دو برادرم ۶- بَطَاقَة: کارت، بلیت ۷- تَفْتِيْش: بازرسی ۸- جَاهِز: آماده



التَّمرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ.

- ١- الْمِهْرَجَانُ احْتِفَالٌ بِمُنَاسَبَةٍ جَمِيلَةٍ، كَمِهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مِهْرَجَانِ الْأَفْلامِ.
- ٢- الثَّلْجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نُزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَط.
- ٣- يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ بِالنَّورُوزِ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الشَّمْسِيَّةِ.
- ٤- تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ.
- ٥- الْأَعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ لَا تَنْتَقِلُ^١ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ.

التَّمرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- الْمَاضِي مِنْ «يَنْقَطِعُ» : ☐ انْقَطَعَ ☐ قَطَعَ ☐ تَقَطَّعَ
- ٢- الْمُضَارِعُ مِنْ «اسْتَرْجَعَ»: ☐ يُرَاجِعُ ☐ يَرْجِعُ ☐ يَسْتَرْجِعُ
- ٣- الْمَصْدَرُ مِنْ «تَعَلَّمَ»: ☐ اسْتِعْلَام ☐ تَعَلَّمَ ☐ تَعْلِيم
- ٤- الْأَمْرُ مِنْ «تَسْمِعُ»: ☐ اسْتَمِعَ ☐ تَسَمَّعَ ☐ اسْمَعَ
- ٥- النَّهْيُ مِنْ «تَحْتَفِلُ»: ☐ مَا احْتَفَلَ ☐ لَا تَحْتَفِلُ ☐ لَا تَحْتَفِلْ
- ٦- الْمُسْتَقْبَلُ مِنْ «يَتَسَمُّ»: ☐ سَيَبْتَسِمُ ☐ ابْتِسَام ☐ ابْتَسِمَ

١- لَا تَنْتَقِلُ: جَابَهُ جَاءَ نَهْيٌ شَوْد

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْحَدِيثَيْنِ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ. (إِذَا كَانَ موجوداً)

۱- ﴿فَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ﴾ آل عمران: ۱۳۵

۲- ﴿فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾ يونس: ۲۰

۳- ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ...﴾ الْمَزْمَل: ۱۰

۴- النَّاسُ نِيَامٌ^۱؛ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا^۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۵- إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ^۳ وَالْبَهَائِمِ^۴. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



سنگ قبر بانو دکتر آنه ماری شیمیل اسلام‌پژوه، خاورشناس و مولوی‌شناس آلمانی

آراسته به حدیث رسول الله ﷺ

۱- نیام: خفتگان (مفرد: نائم) ۲- اِنْتَبَهَوْا: بیدار شدند (بیدار شوند) ۳- بِقَاع: قطعه‌های زمین
 (مفرد: بُقْعَة) ۴- بَهَائِم: چارپایان

التَّمرينُ الرَّابِعُ: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- ١- الْمَسْجِدُ ○ يَذْرُسُ فِيهِ الطُّلَابُ.
- ٢- الْمَشْمَشُ ○ عَيْنُ الْمَاءِ وَ نَهْرٌ كَثِيرُ الْمَاءِ.
- ٣- الْيَنْبُوعُ ○ فَكَيْهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً أَيْضًا.
- ٤- الْمَوْتُ ○ بَيْتٌ مُقَدَّسٌ لِأَدَاءِ الصَّلَاةِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ.
- ٥- اللَّيْلُ ○ الْوَقْتُ الْمُمْتَدُّ مِنْ مَغْرِبِ الشَّمْسِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ.
- ٦- الصَّفُّ

التَّمرينُ الْخَامِسُ: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ. = ≠

أَنْزَلَ / أَصْبَحَ / حَفَلَتْ / رَفَعَ / صُعِدَ / صَارَ / مِهْرَجَانُ / نَزَلَ

..... / / / /

التَّمرينُ السَّادِسُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ فِعْلًا مُنَاسِبًا.

- ١- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لِذَنْبِكَ﴾ غَافِرٌ: ٥٥ ○ اسْتَغْفِرَ ○ اسْتَرْجِعَ
- ٢- إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَسَوْفَ كُلُّنَا مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَنَتَيْنِ. ○ تَخْرُجْنَا ○ نَتَخَرَّجُ
- ٣- إِلَهِي قَدْ رَجَائِي عَنِ الْخَلْقِ، وَ أَنْتَ رَجَائِي. ○ انْقَطَعْتُ ○ انْقَطَعَ
- ٤- كَانَ صَدِيقِي وَالِدَهُ لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ. ○ يَنْتَظِرُ ○ يُصَدِّقُ
- ٥- أَنَا وَ زَمِيلِي رَسَائِلَ عَبْرٍ الْإِنْتَرْنِتِ. ○ اسْتَلَمْنَا ○ اسْتَلَمْتُ

إِنْتِخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ.

۱- ﴿وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئُسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ يوسف: ۸۷

و از رحمت خدا ناامید نشوید ☐ نشدند ☐ ؛ زیرا جز مردم کافر کسی از رحمت خدا ناامید نشده است ☐ نمی شود ☐ .

۲- ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ النحل: ۱۲۵

با دانش و فرمان ☐ اندرز ☐ نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان و با آنان به [شیوه‌ای] که خوب ☐ بهتر ☐ است گفت‌وگو کن.

۳- ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي﴾ البقرة: ۱۵۲

پس ما را ☐ مرا ☐ یاد کنید؛ تا شما را یاد کنم و از من سپاس‌گزاری کنید ☐ شکرگزاری کنید ☐ .

۴- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾

خدا به کسی جز به اندازه توانش ☐ درخواستش ☐ تکلیف نمی‌دهد؛

۵- ﴿لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾ البقرة: ۲۸۶

هرکس آنچه را که [از خوبی‌ها] کسب کرده، به سودش ☐ زیانش ☐ است، و آنچه را [نیز که از بدی‌ها] کسب کرده، به سودش ☐ زیانش ☐ است.

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ قِصَّةِ قُرْآنِيَّةٍ قَصِيرَةٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ مَجَلَّةٍ أَوْ كِتَابٍ وَ تَرَجِّمْهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيِّ.





الدَّرْسُ الرَّابِعُ



﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ الْأَنْبِيَاءُ : ٩٢
بی گمان این امت شماست؛ امتی یگانه و من پروردگارتان هستم، پس
مرا پرستید.

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَاجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ؛
فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ
عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾^١ فَصَّلَتْ: ٣٤



إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَنْ لَا يَسُبُّوا^٢ مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ فَهُوَ يَقُولُ:

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ...﴾^٣ الْأَنْعَامُ: ١٠٨

الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْإِلَهِيَّةَ؛ ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ
بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا﴾ آلْ عِمْرَانُ: ٦٤

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٥٦

لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَى كُلِّ

١- و نیکی و بدی برابر نیستند؛ [بدی را] به گونه‌ای که بهتر است دفع کن که آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی هست، گویی دوستی صمیمی می‌شود.

٢- أَنْ لَا يَسُبُّوا: که دشنام ندهند

٣- کسانی را که به جای خدا فرا می‌خوانند، دشنام ندهید که به خداوند دشنام دهند ...

٤- أَلَّا نَعْبُدَ = أَنْ + لَا نَعْبُدَ

النَّاسَ أَنْ يَتَعَاشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشاً سَلَامِيًّا، مَعَ احْتِفَاطٍ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛ لِأَنَّهُ
﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ الرُّوم: ٣٢

أَلْبِلَادُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا.
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا
إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ الْحَجَرَات : ١٣



يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ.

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾ آلِ عِمْرَانَ : ١٠٣





يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ. الْمُسْلِمُونَ خُمُسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ، يَعِيشُونَ فِي مِسَاحَةٍ وَاسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصِّينِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.

قَالَ الْإِمَامُ الْخُمَيْنِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ: ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلَامًا يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ إِيجَادَ التَّفْرِقَةِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ. وَ قَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِيِّ:

مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِقَةِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

■ الْمُعْجَم: واژه نامه

أَتَقَى	پرهیزگارترین	حَمِيم	گرم و صمیمی	سَوَاء	یکسان
إِحْتِفَافٌ	نگاهداشتن	خِلَاف	اختلاف	عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ	در گذر زمان
إِسَاءَةٌ	بدی کردن	خُمْس	یک پنجم	عَمِيل	مزدور «جمع: عُمَلَاء»
أَشْرَكَ	شریک قرار داد	دَعَا	فرا خواند، دعا کرد «يَدْعُونَ: فرامی خوانند»	لَدَى	نزد «لَدَيْهِمْ: دارند»
إِعْتَصَمَ	چنگ زد (با دست گرفت)	ذَكَرَ	مرد، نر	مَعَ بَعْضٍ	با همدیگر
أَكْرَمَ	گرامی ترین	فَرِحَ	شاد	مِنْ دُونِ اللَّهِ	به جای خدا، به غیر خدا
أُنْثَى	زن، ماده	فَرَّقَ	پراکنده ساخت	يَتَجَلَّى	جلوه گر می شود
تَعَارَفَ	یکدیگر را شناختن «تَعَارَفُوا: تا یکدیگر را بشناسید.»	قَائِدٌ	رهبر «جمع: قَادَةٌ»	يَجُوزُ	جایز است
تَعَايَشَ	همزیستی داشت	قَائِمٌ	استوار، ایستاده	يَسْتَوِي	برابر می شود
حَبَلٌ	طناب «جمع: حِبَالٌ»	سَبَّ	دشنام داد	يُؤَكِّدُ	تأکید می کند
حُرِّيَّةٌ	آزادی	سَلَمِي	مُسَالَمَت آمیز «سَلَمٌ: صلح»		



- ۱- يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَالْعُدْوَانِ، لِلدَّفَاعِ عَنِ الْحَقِيقَةِ.
- ۲- رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ قَائِمَةٌ عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَاجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ.
- ۳- عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَاضُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشاً سَلْمِيّاً.
- ۴- لِبَعْضِ الشُّعُوبِ فَضْلٌ عَلَى الْآخَرِينَ بِسَبَبِ اللَّوْنِ.
- ۵- رُبْعُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.

إَعْلَمُوا

أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (۲)

در درس گذشته با چند فعل، که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیش از سه حرف است، آشنا شدید. اکنون با چند فعل دیگر آشنا شوید.

الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر	الْمَصْدَرُ
تَفَاعَلْ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُلٌ
فَعَّلْ	يُفَعِّلُ	فَعِّلْ	تَفْعِيلٌ
فَاعِلْ	يُفَاعِلُ	فَاعِلْ	مُفَاعَلَةٌ
أَفْعَلْ	يُفْعِلُ	أَفْعِلْ	إِفْعَالٌ

۱- دانش‌آموز باید وزن‌های این جدول را حفظ کند.

ماضی	مضارع	امر	مصدر
تَشَابَهَ: همانند شد	يَتَشَابَهُ: همانند می شود	تَشَابَهْ: همانند شو	تَشَابُهُ: همانند شدن
فَرَحَ: شاد کرد	يُفَرِّحُ: شاد می کند	فَرِّحْ: شاد کن	تَفْرِيح: شاد کردن
جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می کند	جَالِسْ: همنشینی کن	مُجَالَسَة: همنشینی کردن
أَخْرَجَ: بیرون آورد	يُخْرِجُ: بیرون می آورد	أَخْرِجْ: بیرون بیاور	إِخْرَاج: بیرون آوردن



إِخْتَبَرِ نَفْسَكَ:



تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ.

ماضی	مضارع	تَعَامَلَ:	يَتَعَامَلُ:
امر	مصدر	تَعَامَلْ:	تَعَامُل: داد و ستد کردن
ماضی	مضارع	عَلَّمَ:	يُعَلِّمُ:
امر	مصدر	عَلِّمْ:	تَعْلِيم: یاد دادن
ماضی	مضارع	كَاتَبَ:	يُكَاتِبُ:
امر	مصدر	كَاتِبْ:	مُكَاتَبَة: نامه نگاری کردن
ماضی	مضارع	أَجْلَسَ:	يُجْلِسُ:
امر	مصدر	أَجْلِسْ:	إِجْلَاس: نشان دادن

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار
(في صالة^١ التفتيش بالجمارك^٢)

الزائرة	شُرطي الجمارك
عَلَى عَيْنِي، يَا أَخِي، وَلَكِنْ مَا هِيَ الْمُسْكِلَةُ؟	إِجْلِبِي هَذِهِ الْحَقِيبَةَ إِلَى هُنَا.
لَا بَأْسَ.	تَفْتِيشُ بَسِيطٌ.
لِأَسْرَتِي.	عَفْوًا؛ لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟
تَفَضَّلْ، حَقِيبَتِي مَفْتُوحَةٌ لِلتَّفْتِيشِ.	إِفْتَحِيهَا مِنْ فَضْلِكَ ^٣ .
فُرْشَاءُ الْأَسْنَانِ وَالْمَعْجُونُ وَالْمِنْشَفَةُ وَالْمَلَابِسُ ...	مَاذَا فِي الْحَقِيبَةِ؟
لَيْسَ كِتَابًا؛ بَلْ دَفْتَرُ الذِّكْرِيَّاتِ ^٤ .	مَا هَذَا الْكِتَابُ؟
حُبُوبٌ مُهْدَّتَةٌ، عِنْدِي صُدَاعٌ.	مَا هَذِهِ الْحُبُوبُ؟
وَلَكِنْ أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَيْهَا جَدًّا.	هَذِهِ، غَيْرُ مَسْمُوحَةٍ.
شُكْرًا.	لَا بَأْسَ.
فِي أَمَانِ اللَّهِ.	إِجْمَعِيهَا وَادْهَبِي.



١- صَالَةٌ: سالن ٢- جَمَارِك: گمرک ٣- مِنْ فَضْلِكَ: لطفاً ٤- ذِكْرِيَّات: خاطرات

✪ برای مطالعه در خانه ✪

در درس سوم خواندید که آنچه در یادگیری فعل‌ها مهم است، شناسه است.

مثال‌هایی برای یادآوری فعل ماضی که در پایه هفتم خواندید:

تَعَارَفْتُ	عَلَّمْتُ	شَاهَدْتُ	أَرْسَلْتُ	«تُ» در «فَعَلْتُ»	(انجام دادم)؛ مانند:
تَعَارَفْتَ	عَلَّمْتَ	شَاهَدْتَ	أَرْسَلْتَ	«تَ» در «فَعَلْتَ»	(انجام دادی)؛ مانند:
تَعَارَفْنَا	عَلَّمْنَا	شَاهَدْنَا	أَرْسَلْنَا	«نا» در «فَعَلْنَا»	(انجام دادیم)؛ مانند:
تَعَارَفْتُمْ	عَلَّمْتُمْ	شَاهَدْتُمْ	أَرْسَلْتُمْ	«تُمْ» در «فَعَلْتُمْ»	(انجام دادید)؛ مانند:
تَعَارَفُوا	عَلَّمُوا	شَاهَدُوا	أَرْسَلُوا	«وا» در «فَعَلُوا»	(انجام دادند)؛ مانند:

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

تَصَادَفَ: تصادف کرد	تَصَادَمُوا:	
حَرَّكَ: حرکت داد	حَرَّكْتُمَا:	
سَافَرَ: سفر کرد	سَافَرْنَا:	
أَحْسَنَ: نیکی کرد	أَحْسَنْتُمْ:	



مثال‌هایی برای یادآوری فعل مضارع که در پایه هشتم خواندید:

«أ» در «أَفْعَلُ» (انجام می‌دهم)؛ مانند: أَتَعَارَفُ أَعْلَمُ أَشَاهِدُ أُرْسِلُ
 «ت» در «تَفْعَلُ» (انجام می‌دهی)؛ مانند: تَتَعَارَفُ تُعَلِّمُ تُشَاهِدُ تُرْسِلُ
 «ی» در «يَفْعَلُ» (انجام می‌دهد)؛ مانند: يَتَعَارَفُ يُعَلِّمُ يُشَاهِدُ يُرْسِلُ
 «ن» در «نَفْعَلُ» (انجام می‌دهیم)؛ مانند: نَتَعَارَفُ نُعَلِّمُ نُشَاهِدُ نُرْسِلُ
 «ت» + «ریشه» + «وَنَ» در «تَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید)؛ مانند:

تَتَعَارَفُونَ تُعَلِّمُونَ تُشَاهِدُونَ تُرْسِلُونَ

«ی» + «ریشه» + «وَنَ» در «يَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهند)؛ مانند:

يَتَعَارَفُونَ يُعَلِّمُونَ يُشَاهِدُونَ يُرْسِلُونَ



اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

..... يُعَوِّضُ: جبران می‌کند يُعَوِّضُونَ:

..... يُعَامِلُ: رفتار می‌کند يُعَامِلُونَ:

..... يُخْرِجُ: خارج می‌کند يُخْرِجُونَ:

..... تَبَادَلُ: داد و ستد کرد تَتَبَادَلُونَ:

آنچه در یادگیری فعل‌های امر مهم است، شناسه‌هایی هستند که در پایه نهم با آنها آشنا شده‌اید.



یادآوری شناسه‌های فعل امر:

«ن» در «افْعَلْ، تَفَاعَلْ، فَعَّلْ، فاعِلْ، أَفْعَلْ» مانند:

إِذْهَبْ تَشَابَهْ فَرِّحْ جالِسْ أَخْرِجْ

«ی» در «افْعَلِی، تَفَاعَلِی، فَعَّلِی، فاعِلِی، أَفْعَلِی» مانند:

إِذْهَبِی تَشَابَهِی فَرِّحِی جالِسی أَخْرِجِی

«و» در «افْعَلُوا، تَفَاعَلُوا، فَعَّلُوا، فاعِلُوا، أَفْعَلُوا» مانند:

إِذْهَبُوا تَشَابَهُوا فَرِّحُوا جالِسُوا أَخْرِجُوا

«ن» در «افْعَلْنَ، تَفَاعَلْنَ، فَعَّلْنَ، فاعِلْنَ، أَفْعَلْنَ» مانند:

إِذْهَبْنَ تَشَابَهْنَ فَرِّحْنَ جالِسْنَ أَخْرِجْنَ

«ا» در «افْعَلَا، تَفَاعَلَا، فَعَّلَا، فاعِلَا، أَفْعَلَا» مانند:

إِذْهَبَا تَشَابَهَا فَرِّحَا جالِسا أَخْرِجا



اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

تُسَلِّمُونَ: سلام می‌کنید سَلِّمُوا:

تَتَعَارَفْنَ: آشنا می‌شوید تَعَارَفْنَ:

تُشَارِكُن: شرکت می‌کنید شَارِكَا:

تُحْسِنِينَ: نیکی می‌کنی أَحْسِنِي:

الْتَمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- رَيْسُ الْبِلَادِ، الَّذِي يَأْمُرُ الْمَسْؤُولِينَ وَ يَنْصَحُهُمْ لِأَدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ.
- ٢- تَعَرَّفُ الْبَعْضُ عَلَى الْبَعْضِ الْآخَرِ.
- ٣- الَّذِي يَعْمَلُ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ.
- ٤- جُزْءٌ وَاحِدٌ مِنْ خَمْسَةٍ.

الْتَمْرِينُ الثَّانِي: اجْعَلْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- ١- ذَاكَ ☐ وَجَعَ فِي الرَّأْسِ تَخْتَلِفُ أَنْوَاعُهُ وَ أَسْبَابُهُ.
- ٢- الْفُرْشَاءُ ☐ أَكْبَرُ مِنَ الْبَحْرِ كَثِيرًا.
- ٣- الْبُقْعَةُ ☐ أَدَاةٌ لِنَتْنِظِيفِ الْأَسْنَانِ.
- ٤- الْأَصْدَاعُ ☐ قِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْضِ.
- ٥- الْمُحِيطُ ☐

الْتَمْرِينُ الثَّالِثُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

ذِكْرِيَّاتٍ / سَوَاءٍ / الشَّعْبُ / قَائِمَةٌ / لَدَيَّ / مِنْ دُونِ

١- جَوَّالٌ تَفَرُّعٌ^١ بَطَّارِيَّتُهُ خِلَالِ نِصْفِ يَوْمٍ.

٢- زُمَلَائِي فِي الدَّرْسِ عَلَى حَدِّ

٣- كَتَبْتُ السَّفَرَةَ الْعِلْمِيَّةَ.

٤- لَا تَعْبُدُوا اللَّهَ أَحَدًا.



١- تَفَرُّعٌ: خَالِي مِ شُود

أَلْتَمَرِينَ الرَّابِعَ: تَرْجِمُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. (هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ...)

١... الزَّرَافَةُ لَا تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَ عَلَى ثَلَاثِ مَرَاحِلَ؟

٢... مَقْبَرَةُ «وَادِي السَّلَام» فِي النَّجَفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟

٣... الصِّينَ أَوَّلَ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَحْدَمَتْ نُقُوداً وَرَقِيَّةً؟

٤... الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقِفًا عَلَى أَقْدَامِهِ؟

٥... أَكْثَرَ فَيْتَامِينَ C لِلْبُرْتُقَالِ فِي قَشَرِهِ؟



الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ اكْتُبِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِيهَا.

١- ﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٢

٢- ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٥٧

٣- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ غَافِر: ٥٥

٤- ﴿... وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ ...﴾ آلِ عِمْرَانَ: ١٦٤

٥- ﴿وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ﴾ الْإِسْرَاءُ: ١٠٥

٦- ﴿قَالَ إِنِّي أَغْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ الْبَقَرَةُ: ٣٠



الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- الْمَاضِي مِنْ «يُحَاوِلُ» : ☐ تَحَوَّلَ ☐ حَوَّلَ ☐ حَاوَلَ
- ٢- الْمُضَارِعُ مِنْ «حَذَرُ» : ☐ يُحَاذِرُ ☐ يَحْذَرُ ☐ يُحَذِّرُ
- ٣- الْمَصْدَرُ مِنْ «تَقَاعَدَ» : ☐ تَقَاعُدَ ☐ تَقْعِيدَ ☐ إِقْعَادَ
- ٤- الْأَمْرُ مِنْ «تُرْسِلُ» : ☐ أَرْسَلَ ☐ أُرْسِلُ ☐ أَرْسَلَ
- ٥- النَّهْيُ مِنْ «نُقَبِّلُونَ» : ☐ لَا تُقَابِلُوا ☐ لَا تَقْبَلُوا ☐ لَا تُقَبِّلُوا
- ٦- الْمُضَارِعُ مِنْ «تَعَلَّمَ» : ☐ يُعَلِّمُ ☐ يَتَعَلَّمُ ☐ يَعْلَمُ
- ٧- الْمَصْدَرُ مِنْ «إِعْتَرَفَ» : ☐ تَعَرُّفَ ☐ تَعَارُفَ ☐ إِعْتِرَافَ



عَيْنَ تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنةِ فِي الْآيَاتِ.

۱- ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ

قالوا سَلَامًا﴾ الْفُرْقَان: ۶۳

و بندگان [خدای] بخشاینده کسانی‌اند که روی زمین با آرامش و فروتنی گام برمی‌دارند و هرگاه نادان‌ها ایشان را خطاب کنند، سخن آرام می‌گویند.

۲- ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ هُود: ۱۱۴

بی‌گمان خوبی‌ها، بدی‌ها را از میان می‌برد.

۳- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾ الْأَعْرَاف: ۴۳

ستایش از آن خدایی است که ما را به این [نعمت‌ها] رهنمون ساخت؛ و اگر خدا راهنمایی‌مان نکرده بود، [به اینها] راه نمی‌یافتیم.

۴- ﴿رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ الْقَصَص: ۲۴

پروردگارم، من بی‌گمان به آنچه از خیر برایم فرستادی، نیازمندم.

۵- ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ الرَّعْد: ۲

آگاه باش که با یادِ خدا دل‌ها آرام می‌گردد.

۶- ﴿أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾ الْقَصَص: ۷۷

نیکی کن همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده است.



الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ آيَاتٍ فِي كُلِّ مِنْهَا فِعْلٌ مِنْ هَذِهِ الْأَفْعَالِ. (فِي كُلِّ آيَةٍ فِعْلٌ وَاحِدٌ).
أَرْسَلْنَا . إِنْتَظَرُوا . اسْتَغْفِرْ . إِنْبَعَثْ . تَفَرَّقْ . تَعَاوَنُوا . عَلَّمْنَا . يُجَاهِدُونَ





الدَّرْسُ الْخَامِسُ



﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾ الْعَنْكَبُوت: ٢٠

بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه خداوند آفرینش را آغاز کرد.

﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ لقمان: ١١

﴿الْغَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَيْلاً، شَاهَدُوا مِثَاتِ الْمَصَابِيحِ الْمُلَوَّنَةِ الَّتِي يَنْبَعِثُ ضَوْؤُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ، وَ تُحَوِّلُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْغَوَاصُونَ الْتِقَاطَ صَوْرِ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ. اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَنْبَعِثُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ



الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عُيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ. هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ، وَ يَسْتَعِينُ بِالْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ؟

رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، لِأَنَّهُ «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ

جَدَّ وَجَدَ».



﴿إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طِبْيٌّ دَائِمٌ،

لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغُدَدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهِّرًا، فَيَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَمِمْ.

﴿ إِنَّ بَعْضَ الطُّيُورِ وَ الْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَرِيزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّبِيبَةَ وَ تَعْلَمُ
كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ لِلْوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ؛



وَ قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّبِيبَةِ لِكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ
الْبَرِّيَّةِ وَ غَيْرِهَا.



﴿ إِنَّا أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاحِهَا لِلْعَةِ خَاصَّةٍ بِهَا، تَمْلِكُ لَعَةً عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا، فَلِلْغُرَابِ صَوْتُ يُحَذِّرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَغِدَ سَرِيعاً عَنْ مِيقَةِ الْخَطَرِ، فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَابَةِ. ﴾



﴿ لِلْبَطَّةِ غُدَّةٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالقُرْبِ مِنْ ذَنِبِهَا تَحْتَوِي زَيْتاً خَاصّاً تَنْشُرُهُ عَلَى جِسْمِهَا فَلَا يَتَأَثَّرُ جِسْمُهَا بِالمَاءِ. ﴾



تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا وَ هِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي اتِّجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.



لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَلَكِنَّهَا تُعَوِّضُ هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ جِهَةٍ وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا مِائَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَرَجَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَهَا.



إِبتَعَدَ	دور شد «حَتَّى تَبْتَغِدَ: تا دور شود»	بکثیر یا	باکتری	سائل	مایع
إِتِّجَاه	جهت	بوم، بومَة	جغد	ضوء	نور «جمع: أضواء»
أَدَارَ	چرخاند، اداره کرد «أَنْ تُدِيرَ: که بچرخاند»	تَأَثَّرَ	تحت تأثیر قرار گرفت	ظلام	تاریکی
أَنْ تَرَى	که ببیند	تَحْتَوِي	در بر دارد	عَوَّضَ	جبران کرد
إِسْتَفَادَ	بهره بُرد «أَنْ يَسْتَفِيدَ: که بهره ببرد»	تَحَرَّكَ	حرکت کرد	قِطْ	گرهه
إِضَافَةً إِلَى	افزون بر	تَنْشُرُ	پخش می‌کند	لَعَقَى	لیسید
أَعْشَابَ طَبِیَّةٍ	گیاهان دارویی «مفرد: عُشْبٌ طَبِیٌّ»	جُرْح	زخم	مُضِيءٌ	نورانی
أَفْرَزَ	ترشح کرد	حَرَّكَ	حرکت داد	مُطَهِّرٌ	پاک‌کننده
إِلْتَامَ	بهبود یافت «حَتَّى يَلْتَمِمْ: تا بهبود یابد»	حَوَّلَ	تبدیل کرد	وَقَايَةً	پیشگیری
إِلْتِقَاطُ صَوْرٍ	عکس گرفتن	حِرْبَاءُ	آفتاب‌پرست	مَلَكٌ	مالک شد، فرمانروایی کرد
إِمْتِلَاكٌ	مالکیت، داشتن	دَلَّ	راهنمایی کرد	يَسْتَطِيعُ	می‌تواند = يَقْدِرُ
إِنَارَةٌ	نورانی کردن	دُونَ أَنْ	بی آنکه «دُونَ أَنْ تُحَرَّكَ: بی آنکه حرکت بدهد»	يَسْتَعِينُ بِـ	از ... یاری می‌جوید
بَرِيٌّ	خشکی، زمینی «نباتات بَرِّيَّةٌ: گیاهان صحرایی»	ذَنْبٌ	دُم «جمع: أذنان»	يَنْبَغِي	فرستاده می‌شود
بَطٌّ، بَطَّةٌ	اردک	زَيْتٌ	روغن «جمع: زُيُوت»		



عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ.

- ۱- لِلزَّرَافَةِ صَوْتُ يَحْذَرُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَغِدَ عَنِ الْخَطَرِ.
- ۲- تُحَوَّلُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيئَةُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيءٍ.
- ۳- تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ.
- ۴- لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفْرِزُ سَائِلًا مُطَهِّرًا.
- ۵- لَا تَعِيشُ حَيَوَانَاتٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ.
- ۶- يَتَحَرَّكُ رَأْسُ الْبُومَةِ فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ.

اعلموا

«الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ» وَ «الْجُمْلَةُ الاسْمِيَّةُ»

به جمله «يَغْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ.» «جمله فعلیه» گفته می شود؛ زیرا با فعل شروع شده است.
فعل فاعل مفعول

الگوی جمله فعلیه این است:

فعل «يَغْفِرُ» + فاعل «اللَّهُ» + گاهی مفعول «الذُّنُوبُ»

فعل، کلمه ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در گذشته، حال یا آینده دلالت دارد.
فاعل، انجام دهنده کار یا دارنده حالت است.
مفعول، اسمی است که در زبان عربی معمولاً پس از فاعل می آید و کار بر آن انجام می شود.

دو جمله «اللَّهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ.» و «اللَّهُ غَاْفِرُ الذُّنُوبِ.» با اسم شروع شده اند. به چنین جمله هایی «جمله اسمیه» گفته می شود.

الگوی جمله اسمیه این است:

مبتدا «اللَّهُ» + خبر «يَغْفِرُ و غَاْفِرُ».

«مبتدا» و «خبر»، تقریباً همان «نهاد» و «گزاره» در دستور زبان فارسی هستند.

مبتدا، اسمی است که در ابتدای جمله می آید و درباره آن خبری گفته می شود.

خبر، بخش دوم جمله اسمیه است و درباره مبتدا گزارشی می دهد.

شناخت اجزای جمله در ترجمه به ما کمک می کند.

عَيْنِ الْجُمْلَةِ الْفِعْلِيَّةِ وَ الْاِسْمِيَّةِ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَحَلِّ الْاِعْرَابِيِّ^١ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنَةِ.

۱- ﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ﴾ التَّوْر: ۳۵ خدا برای مردم مثلها می زند.

۲- إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةً. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام از دست دادن فرصت اندوه است.

گاهی مبتدا و خبر (نهاد و گزاره) و نیز فاعل و مفعول، صفت یا مضاف الیه می گیرند و خودشان موصوف و مضاف می شوند؛ مثال:

صُدُورُ^۲ الْأَحْرَارِ^۳ قُبُورُ الْأَسْرَارِ. سینه های آزادگان گورهای رازهاست.

مبتدا مضاف الیه خبر مضاف الیه

يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمَجْدُ أَشْجَارَ التُّفَّاحِ. کشاورز کوشا درختان سیب می کارد.

فاعل فعل مفعول صفت مضاف الیه

تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيْنِ الْمُبْتَدَأِ وَ الْخَبَرِ وَ الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ فِي الْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنَةِ.

۱- أَلْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۲- مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنْ الْعَقْلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳- تَمَرُّهُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام

۱- منظور از «عَيْنِ الْمَحَلِّ الْاِعْرَابِيِّ» فقط تعیین نقش کلمه در جمله است؛ مانند مبتدا، خبر، فاعل، مفعول، مضاف الیه، صفت و ...

۲- صُدُور: سینه ها ۳- أحرار: آزادگان ۴- قَسَمَ وَ قَسَمَ: تقسیم کرد

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را اجرا کنید.

حوار

(مَعَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ)

سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ	السَّائِقُ
أَنَا فِي خِدْمَتِكُمْ. تَفَضَّلُوا.	أَيُّهَا السَّائِقُ، نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ.
أَطْنُ الْمَسَافَةَ سَبْعَةً وَ ثَلَاثِينَ كِيلُومِتْرًا. عَجِيبٌ؛ لِمَ تَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدَائِنِ؟	كَمْ الْمَسَافَةُ مِنَ بَغْدَادَ إِلَى هُنَاكَ؟
لِأَنَّهُ لَا يَذْهَبُ إِلَى الْمَدَائِنِ إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ الزَّوَارِ.	لِزِيَارَةِ مَرْقَدِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ مُشَاهَدَةِ طَاقِ كِسْرَى؛ لِمَاذَا تَتَعَجَّبُ؟!
زِيَارَةُ مَقْبُولَةٌ لِجَمِيعٍ! أَ تَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ أَمْ لَا؟	فِي الْبِدَايَةِ تَشَرَّفْنَا بِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ فِي الْمَدِينِ الْأَرْبَعَةِ كَرْبَلَاءَ وَ النَّجَفِ وَ سَامَرَاءَ وَ الْكَاطِمِيَّةِ.
أَحْسَنْتُ! وَ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنْ طَاقِ كِسْرَى؟	نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ، إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ وَ أَصْلُهُ مِنْ إِصْفَهَانَ.
مَا شَاءَ اللَّهُ! بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ! مَعْلُومَاتُكَ كَثِيرَةٌ!	بِالتَّأَكِيدِ؛ إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ. قَدْ أَنْشَدَ ^٢ شَاعِرَانِ كَبِيرَانِ قَصِيدَتَيْنِ عِنْدَ مُشَاهَدَتِهِمَا إِيوَانَ كِسْرَى: الْبُحْتُرِيُّ مِنْ أَكْبَرِ شُعْرَاءِ الْعَرَبِ، وَ خَاقَانِي، الشَّاعِرُ الْإِيرَانِيُّ.



الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَ يَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ.....

٢- عُضْوٌ خَلَفَ جِسْمِ الْحَيَوَانِ يُحَرِّكُهُ غَالِبًا لِطَرْدِ الْحَشَرَاتِ.

٣- نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلْمُعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءٍ.

٤- طَائِرٌ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَ الْمَاءِ.

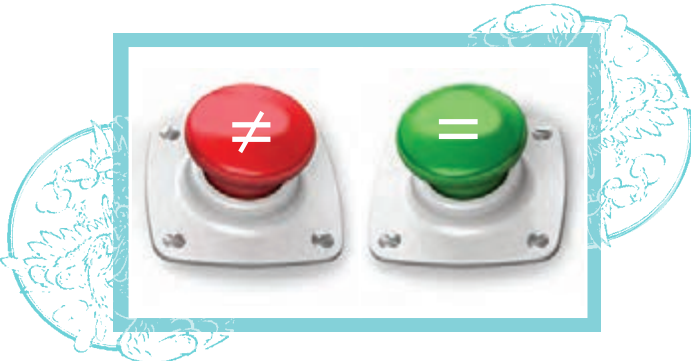
٥- عَدَمُ وُجُودِ الضَّوءِ.

٦- نَشْرُ النُّورِ.



الْتَمَرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ. = ≠

سَلَمٌ حَرْبٌ	إِسْتِطَاعَ قَدَرَ
إِحْسَانٌ إِسَاءَةٌ	إِقْتَرَبَ ابْتَعَدَ
ظَلَامٌ ضِيَاءٌ	بَنَى صَنَعَ
نُورٌ ضَوْءٌ	عَدَاوَةٌ صَدَاقَةٌ
حُجْرَةٌ غُرْفَةٌ	غَيْمٌ سَحَابٌ
قُرْبٌ بَعْدٌ	يَنْبُوعٌ عَيْنٌ
مِنْ فَضْلِكَ رَجَاءٌ	فَرَحٌ حَزِينٌ
جَاهِزٌ حَاضِرٌ	غُصَّةٌ حُزْنٌ



التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: اكتب اسم كل صورة في الفراغ، ثم عيّن المطلوب منك.

البَطُّ / الكلاب / العُرابُ / الطَّاووس / الحِرْبَاءُ / البَقَرَةُ



دَنْبٌ جَمِيلٌ.

المُضَافُ إِلَيْهِ:



يُرْسَلُ أَخْبَارَ الغَابَةِ.

المَفْعُولُ:



تُعْطَى الحَلِيبُ.

الفَاعِلُ:



طَائِرٌ جَمِيلٌ.

الخَبَرُ:



الشَّرْطِيُّ يَحْفَظُ الأَمْنَ بِـ

المُبْتَدَأُ:



ذَاتُ عَيُونٍ مُتَحَرِّكَةٍ.

الصِّفَةُ:

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : عَيْنِ الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ.

١- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ^١ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الْفَتْح: ٢٦

٢- ﴿لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا^٢ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾ الْأَعْرَاف: ١٨٨

٣- ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا^٣ وَنَبِيَّ خَلَقَهُ﴾ يَس: ٧٨

٤- ﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ الْكَهْف: ٤٩

٥- ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ^٤﴾ الْبَقَرَة: ١٨٥

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنِ الْمُبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ فِي الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

١- أَلْتَدَمُ^٥ عَلَى السُّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ التَّدَمِ عَلَى الْكَلَامِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٢- أَكْبَرُ الْحُمُقِ^٥ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالْمَدَمِ^٦. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- الْعِلْمُ صَيْدٌ، وَالْكِتَابَةُ قَيْدٌ^٧. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

١- سَكِينَة: آرامش ٢- ضَرَّ: زيان ٣- يُسْر: آسانی ٤- تَدَم: پشیمانی ٥- حُمُق: نادانی ٦- دَم: نکوهش ٧- قَيْد: بند

الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

١- ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾ الْبَقَرَةُ: ٤٤

٢- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٨٦

٣- صَدْرُ الْعَاقِلِ، صُنْدُوقُ سِرِّهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٤- حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١- نَفْسًا: كَسَى

كَمَلِ الْفَرَاجَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

۱- ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ۱۸۵

هر کسی چشنده است. (می میرد)

۲- ﴿... وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾

و درباره آسمان ها و زمین ؛

۳- ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾

[و می گویند: ای پروردگار ما، اینها را بیهوده ؛

۴- ﴿سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾

تو پاکی؛ ما را از شکنجه نگاه دار؛

۵- ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾

پروردگارا، هر که را تو به آتش افکنی، او را خوار ساخته ای، و ، هیچ

ندارند؛

۶- ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا﴾

ای پروردگار ما، قطعاً ما صدای پیام دهنده را که به ایمان

دعوت می کرد که به پروردگارتان، ایمان بیاورید و ما

آلِ عِمْرَانَ: ۱۹۳-۱۹۱

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ نَصِّ قَصِيرِ عِلْمِي بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ خَلْقِ اللَّهِ،
ثُمَّ تَرْجِمْهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ،
مُسْتَعِيناً بِمُعْجَمِ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.



بُحَيْرَةُ زَرْيَارِ فِي مَدِينَةِ مَرْيَوَانَ بِمُحَافَظَةِ كُردِسْتَانِ



الدَّرْسُ السَّادِسُ



﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقَرْنَيْنِ﴾

قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿٨٣﴾ الْكَهْفُ : ٨٣

و از تو درباره ذوالقرنین می پرسند،

بگویادی از او بر شما خواهیم خواند.

كَانَ ذَوَا الْقَرْنَيْنِ مَلِكًا عَادِلًا مَوْحِدًا، وَ كَانَ يَحْكُمُ مَنَاطِقَ وَاسِعَةً. ذُكِرَ اسْمُهُ فِي الْقُرْآنِ.

﴿لَمَّا اسْتَقَرَّتِ الْأَوْصَاعُ لِذِي الْقَرْنَيْنِ، سَارَ مَعَ جَيْشِهِ الْعَظِيمِ نَحْوَ الْمَنَاطِقِ الْغَرِيبَةِ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ مُحَارَبَةِ الظُّلْمِ وَ الْفَسَادِ. فَكَانَ النَّاسُ يُرْجِبُونَ بِهِ فِي مَسِيرِهِ بِسَبَبِ عِدَالَتِهِ، وَ يَطْلُبُونَ مِنْهُ أَنْ يَحْكُمَ وَ يُدِيرَ شُؤْنَهُمْ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى مَنَاطِقَ فِيهَا مُسْتَنْفَعَاتٌ مِيَاهُهَا ذَاتُ رَائِحَةٍ كَرِيمَةٍ. وَ وَجَدَ قُرْبَ هَذِهِ الْمُسْتَنْفَعَاتِ قَوْمًا مِنْهُمْ فَاسِدُونَ وَ مِنْهُمْ صَالِحُونَ.

فَحَكَمَهُمْ بِالْعَدَالَةِ وَ أَصْلَحَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ.

﴿ثُمَّ سَارَ مَعَ جَيْشِهِ نَحْوَ الشَّرْقِ.

فَأَطَاعَهُ كَثِيرٌ مِنَ الْأُمَمِ وَ اسْتَقْبَلُوهُ لِعِدَالَتِهِ.

﴿وَ بَعْدَ ذَلِكَ سَارَ نَحْوَ الشَّامِ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى

قَوْمٍ يَسْكُنُونَ قُرْبَ مَضِيقٍ بَيْنَ جَبَلَيْنِ مُرْتَفِعَيْنِ، فَرَأَى

هَؤُلَاءِ الْقَوْمُ عَظَمَةَ جَيْشِهِ وَ أَعْمَالَهُ الصَّالِحَةَ،



فَاغْتَنَمُوا الْفُرْصَةَ مِنْ وُصُولِهِ؛ لِأَنَّهُمْ كَانُوا فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ مِنْ قَبِيلَتَيْنِ وَحَشِيَّتَيْنِ
تَسْكُنَانِ وَرَاءَ تِلْكَ الْجِبَالِ؛ فَقَالُوا لَهُ:

إِنَّ رِجَالَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ مُفْسِدُونَ يَهْجُمُونَ عَلَيْنَا مِنْ هَذَا الْمَضِيقِ؛ فَيَخْرَبُونَ
بُيُوتَنَا وَيَنْهَبُونَ أَمْوَالَنَا، وَهَاتَانِ الْقَبِيلَتَانِ هُمَا يَأْجُوجُ وَ مَاْجُوجُ.
لِذَا قَالُوا لَهُ: نَرْجُو مِنْكَ إِغْلَاقَ هَذَا الْمَضِيقِ بِسَدٍّ عَظِيمٍ، حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ
الْعَدُوُّ أَنْ يَهْجُمَ عَلَيْنَا مِنْهُ؛ وَ نَحْنُ نُسَاعِدُكَ فِي عَمَلِكَ.

بَعْدَ ذَلِكَ جَاؤُوا لَهُ بِهَدَايَا كَثِيرَةٍ، فَرَفَضَهَا ذَوَا الْقَرْنَيْنِ وَ قَالَ:
عَطَاءُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ عَطَاءٍ غَيْرِهِ، وَ أَطْلُبُ مِنْكُمْ أَنْ تُسَاعِدُونِي فِي بِنَاءِ هَذَا السِّدِّ.
فَرِحَ النَّاسُ بِذَلِكَ كَثِيرًا.

أَمَرَهُمْ ذَوَا الْقَرْنَيْنِ بِأَنْ يَأْتُوا بِالْحَدِيدِ وَ النُّحَاسِ، فَوَضَعَهُمَا فِي ذَلِكَ الْمَضِيقِ وَ
أَشْعَلُوا النَّارَ حَتَّى ذَابَ النُّحَاسُ وَ دَخَلَ بَيْنَ الْحَدِيدِ، فَأَصْبَحَ سَدًّا قَوِيًّا.
فَشَكَرَ الْقَوْمُ الْمَلِكَ الصَّالِحَ عَلَى عَمَلِهِ، وَ تَخَلَّصُوا مِنْ قَبِيلَتِي يَأْجُوجَ وَ مَاْجُوجَ.
وَ شَكَرَ ذَوَا الْقَرْنَيْنِ رَبَّهُ عَلَى نَجَاحِهِ فِي فُتُوحَاتِهِ.



خوشامد می‌گفتند	كَانَ ... يُرْحَبُونَ	خواند «أَتَلَوْ: می‌خوانم»	تَلَا	به پیشواز رفت (مصدر: اسْتَقْبَالَ)	اسْتَقْبَلَ
زشت و ناپسند	کَرِهَ	ارتش «جمع: جُيُوش»	جَيْش	استقرار یافت	اسْتَقَرَّ
جنگیدن	مُحَارَبَة	آهن	حَدِيد	شعله‌ور کرد	أَشْعَلَ
مرداب	مُسْتَنْقَع	ویران کرد	خَرَبَ	اصلاح کرد	أَصْلَحَ
تنگه	مَضِيق	ذوب شد	ذَابَ	پپروی کرد	أَطَاعَ
مس	نُحَاس	نپذیرفت	رَفَضَ	غنیمت شمرد	اِغْتَنَمَ
سمتِ	نَحْوَ	حرکت کرد، به راه افتاد	سَارَ	بستن	اِغْلَقَ
به تاراج بُرد	نَهَبَ	زندگی کرد	سَكَنَ	ساختن، ساختمان	بَنَاءَ
رسیدن	وُصُول	حکومت می‌کرد	كَانَ ... يَحْكُمُ	رهایی یافت	تَخَلَّصَ



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- سَارَ ذُو الْقَرْنَيْنِ نَحْوَ الشَّمَالِ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ يَسْكُنُونَ قُرْبَ مَضِيقٍ.....
- ۲- سَارَ ذُو الْقَرْنَيْنِ مَعَ جَيْشِهِ نَحْوَ الْجَنُوبِ، يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ.....
- ۳- قَبْلَ ذُو الْقَرْنَيْنِ الْهَدَايَا الَّتِي جَاءَ النَّاسُ بِهَا.....
- ۴- بَنَى ذُو الْقَرْنَيْنِ السَّدَّ بِالْحَدِيدِ وَ الْأَخْشَابِ.....
- ۵- كَانَتْ قَبِيلَتَا يَأْجُوجَ وَ مَاجُوجَ مُتَمَدِّتَيْنِ.....

اعلموا

الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ

در زبان فارسی برای مجهول کردن فعل از مشتقاتِ مصدرِ «شدن» استفاده می‌شود؛ مثال:

زده شد می‌زند: زده می‌شود

دید: دیده شد می‌بیند: دیده می‌شود

در جمله دارای فعل معلوم، فاعل معلوم است؛ ولی در جمله دارای فعل مجهول، فاعل ناشناس می‌باشد؛ یعنی حذف شده است.



در جمله «نگهبان در را گشود.» می‌دانیم فاعل نگهبان است؛ ولی در جمله «در گشوده شد.» فاعل نامشخص است. اکنون با فعل مجهول در دستور زبان عربی آشنا شویم.

غَسَلَ: شُست ← غُسلَ: شسته شد

خَلَقَ: آفرید ← خُلِقَ: آفریده شد

يَغْسِلُ: می‌شوید ← يُغْسَلُ: شسته می‌شود

يَخْلُقُ: می‌آفریند ← يُخْلَقُ: آفریده می‌شود

در دستور زبان عربی هنگام مجهول شدن فعل حرکت‌های آن تغییر می‌کند.

كَتَبَ: نوشت	كَتَبَ: نوشته شد	يَكْتُبُ: می‌نویسد	يُكْتُبُ: نوشته می‌شود
ضَرَبَ: زد	ضَرَبَ: زده شد	يَضْرِبُ: می‌زند	يُضْرَبُ: زده می‌شود
عَرَفَ: شناساند	عَرَفَ: شناسانده شد	يُعْرِفُ: می‌شناساند	يُعْرَفُ: شناسانده می‌شود
أَنْزَلَ: نازل کرد	أَنْزَلَ: نازل شد	يُنْزِلُ: نازل می‌کند	يُنْزَلُ: نازل می‌شود
اسْتَعْدَمَ: به کار گرفت	اسْتَعْدِمَ: به کار گرفته شد	يَسْتَعْدِمُ: به کار می‌گیرد	يُسْتَعْدَمُ: به کار گرفته می‌شود

تفاوت فعل معلوم و فعل مجهول را در مثال‌های بالا بیابید.

تَرْجِمِ الْآيَاتِ الْمُبَارَكَةَ وَ الْحَدِيثَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمَجْهُولَةَ.

١- ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ﴾ [الأعراف: ٢٠٤]



٢- ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ﴾ [الرحمن: ٤١]

٣- ﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾ [النساء: ٢٨]

٤- مَا عُمِّرَتْ ^١ الْبُلْدَانُ ^٢ بِمِثْلِ الْعَدْلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥- إِنَّ أَوَّلَ مَا يُجَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ، الصَّلَاةُ؛ فَإِنْ قُبِلَتْ، قُبِلَ مَا سِوَاهَا. ^٣ الْإِمَامُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار (مَعَ مَسْئُولِ اسْتِقْبَالِ الْفُنْدُقِ)

السَّائِحُ	مَسْئُولُ الْإِسْتِقْبَالِ
رَجَاءً، أَعْطِنِي ^٢ مِفْتَاحَ عُرْفَتِي.	ما هُوَ رَقْمُ عُرْفَتِكَ؟
مِثْنَانٍ وَ عِشْرُونَ.	تَفَضَّلْ.
عَفْوًا، لَيْسَ هَذَا مِفْتَاحَ عُرْفَتِي.	أَعْتَذِرُ مِنْكَ؛ أَعْطَيْتُكَ ثَلَاثِمِئَةً وَ ثَلَاثِينَ.
لَا بَأْسَ، يَا حَبِيبِي. ما هِيَ سَاعَةُ دَوَامِكَ ^٣ ؟	مِنَ السَّادِسَةِ صَبَاحًا إِلَى الثَّانِيَةِ بَعْدَ الظُّهْرِ؛ ثُمَّ يَأْتِي زَمِيلِي بَعْدِي.
مَتَى مَوَاعِدُ ^٤ الْفُطُورِ وَ الْعَدَاءِ وَ الْعِشَاءِ؟	الْفُطُورُ مِنَ السَّابِعَةِ وَ النِّصْفِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا؛ الْعَدَاءُ مِنَ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ حَتَّى الثَّانِيَةِ وَ الرُّبْعِ؛ الْعِشَاءُ مِنَ السَّابِعَةِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا.
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْفُطُورِ؟	شَايٌّ وَ خُبْزٌ وَ جُبْنَةٌ ^٥ وَ زُبْدَةٌ ^٦ وَ حَلِيبٌ وَ مَرَبَّى الْمِشْمِشِ.
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْعَدَاءِ؟	رُزٌّ مَعَ دَجَاجٍ ^٧ .
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْعِشَاءِ؟	رُزٌّ مَعَ مَرَقٍ ^٨ بَاذِنْجَانٍ.
أَشْكُرُكَ.	لَا شُكْرَ عَلَيَّ الْوَاجِبِ.



- ١- مَسْئُولُ الْإِسْتِقْبَالِ: مسئول پذیرش ٢- أَعْطِنِي: به من بده ٣- دَوَامٌ: ساعت کار ٤- مَوَاعِدُ: وقت‌ها
٥- جُبْنَةٌ: پنیر ٦- زُبْدَةٌ: کره ٧- دَجَاجٌ: مرغ ٨- مَرَقٌ: خورشت

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- بِمَعْنَى الذَّهَابِ نَحْوَ الضَّيْفِ وَ إظهارِ الْفَرَحِ بِهِ.
.....
- ٢- مَجْمُوعَةٌ كَبِيرَةٌ مِنَ الْجُنُودِ لِلدَّفَاعِ عَنِ الْوَطَنِ.
.....
- ٣- مَكَانٌ يَجْتَمِعُ فِيهِ الْمَاءُ زَمَانًا طَوِيلًا.
.....
- ٤- فِلَرْ يُسْتَخْدَمُ فِي صِنَاعَةِ الْكَهْرَبَاءِ.
.....
- ٥- مَكَانٌ بَيْنَ جَبَلَيْنِ.
.....

التَّمْرِينُ الثَّانِي: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «ثَلَاثُ كَلِمَاتٍ زَائِدَةٌ»

ذَابَ / تَخَلَّصَ / مُحَارَبَةٍ / أَصْلَحَ / كَرِيهَةٍ / مُفْسِدُونَ / رَقَضَ / أَسْكُنَ

١- ﴿مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ..... فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

الْأَنْعَامُ: ٥٤

٢- ﴿إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ..... فِي الْأَرْضِ﴾ الْكَهْفُ: ٩٤

٣- ﴿وَيَا آدَمُ..... أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ﴾ الْأَعْرَافُ: ١٩

٤- ذَهَبَ جَيْشُنَا الْقُوِّي لـ..... أعدائنا.

٥- وَصَلَ ذَوَا الْقُرْنَيْنِ إِلَى مُسْتَنْقَعَاتِ مِيَاهُهَا ذَاتُ رَاحِجَةٍ.....

التَّمرِينُ الثَّالِثُ: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- الْأَمَاضِي مِنَ «يَسْتَقْبِلُ»: ☐ اِسْتَقْبَلَ ☐ قَبْلَ ☐ أَقْبَلَ
- ٢- الْأَمْضَارِعُ مِنَ «فَرَّقَ»: ☐ يَتَفَرَّقُ ☐ يَفْتَرِقُ ☐ يُفَرِّقُ
- ٣- الْمَصْدَرُ مِنَ «أَغْلَقَ»: ☐ اِنْغِلَاقٍ ☐ اِغْلَاقٍ ☐ تَغْلِيْقٍ
- ٤- الْأَمْرُ مِنَ «تَعَلَّمُونَ»: ☐ عَلِّمُوا ☐ اَعْلِمُوا ☐ اِعْلَمُوا
- ٥- اَلْفِعْلُ الْمَجْهُوْلُ: ☐ يُشَرِّفُ ☐ يُضْرِبُ ☐ يُحَاسِبُ
- ٦- اَلْمَجْهُوْلُ مِنْ يُخْرِجُ: ☐ اُخْرِجَ ☐ يَخْرُجُ ☐ يُخْرِجُ
- ٧- اَلْفِعْلُ الْمَجْهُوْلُ: ☐ رَفَضَ ☐ قَرَّبَ ☐ ذَكَرَ



التَّامِرِينَ الرَّابِعُ : تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمَجْهُولَةَ.

١- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبَ مَثَلٍ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا^١﴾ الْحَجَّ: ٧٣

٢- ﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ الرَّزْمِ: ١١

٣- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ الْبَقَرَةِ: ١٨٥

٤- تَغَسَّلْ مَلَابِسُ الرِّيَاضَةِ قَبْلَ بَدَايَةِ الْمُسَابَقَاتِ.

٥- يُفْتَحُ بَابُ صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ لِلطُّلَابِ.

١- لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا: مَغْسَى رَا نَخَوَاهَنْدَ آفَرِيد. ٢- مُخْلِصًا: دَر حَالِي كِه خَالِصْ غَرْدَانِيدِهَام.

عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ.

۱- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید مردمانی، مردمانی [دیگر] را ریشخند کنند، شاید آنها ☐ خوب ☐ بهتر از خودشان ☐ باشند؛

۲- ﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾

و از یکدیگر عیب نگیرید ☐ و خودتان را خوار نسازید ☐ و به همدیگر ☐ لقب ☐ لقب‌های ☐ زشت ندهید؛

۳- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به بسیاری از گمان‌ها اعتماد نکنید. ☐ از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید. ☐ ؛

۴- ﴿إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا﴾

زیرا برخی گمان‌ها ☐ گناه ☐ زشت ☐ است، و جاسوسی نکنید؛ و نباید ☐ غیبت ☐ دیگران ☐ همدیگر ☐ کنید؛

۵- ﴿أَيُّجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ﴾

آیا کسی از شما ☐ می‌خواهد ☐ دوست می‌دارد ☐ که گوشت برادرش را که ☐ مرده‌است ☐ بخورد ☐ بگند ☐ ؟ [کاری که] آن را ناپسند می‌دارید.

الْحَجَرَات: ۱۱ و ۱۲

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنِ آيَةٍ أَوْ حَدِيثٍ أَوْ شِعْرِ أَوْ كَلَامٍ جَمِيلٍ مُرْتَبِطٍ بِالنَّعْمِ الْإِلَهِيَّةِ.



﴿وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ﴾ التَّمْل: ٤٠



الدَّرْسُ السَّابِعُ



أَنْتَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَظَمْتُكَ، وَفِي الْأَرْضِ
قُدْرَتُكَ، وَفِي الْبِحَارِ عَجَائِبُكَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
تو کسی هستی که بزرگی‌ات در آسمان و توانمندی‌ات در زمین و
شگفتی‌هایت در دریاهاست.

يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

يُشَاهِدُ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ فَلَمَّا رَائِعاً عَنِ الدُّلْفَيْنِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَاناً مِنَ الْغَرَقِ، وَ
أَوْصَلَهُ إِلَى الشَّاطِئِ.

حامدٌ: لَا أَصَدِّقُ؛ هَذَا أَمْرٌ عَجِيبٌ. يُحَيِّرُنِي جِداً.

الأبُّ: يَا وَلَدِي، لَيْسَ عَجِيباً، لِأَنَّ الدُّلْفَيْنِ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبَحَارِ.

صادقٌ: تَصَدِّقُهُ صَعْبٌ! يَا أَبِي، عَرَّفْنَا عَلَى هَذَا الصَّدِيقِ.

الأبُّ: لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ، وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَ وَزْنُهُ

يَبْلُغُ ضِعْفِي وَزَنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيباً، وَ هُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي

تُرْضِعُ صِغَارَهَا.

نورا: إِنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِّيٌّ يُحِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ! أَلَيْسَ كَذَلِكَ؟

الأبُّ: بَلَى؛ بِالتَّأَكُّدِ، تَسْتَطِيعُ الدَّلَّافِينُ أَنْ تُرْشِدَنَا إِلَى مَكَانٍ سُقُوطِ طَائِرَةٍ

أَوْ مَكَانٍ غَرَقَ سَفِينَةٍ.

الأمُّ: تُؤَدِّي الدَّلَّافِينُ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ، وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ

الْمَاءِ مِنْ عَجَائِبَ وَ أَسْرَارٍ، وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اكْتِشَافِ أَمَاكِنِ

تَجَمُّعِ الْأَسْمَاكِ.



صَادِقٌ: رَأَيْتُ الدَّلَافِينَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً؛ فَهَلْ تَتَكَلَّمُ مَعَا؟
الْأُمُّ: نَعَمْ؛ قَرَأْتُ فِي مَوْسُوعَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّ الدَّلَافِينَ
تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ، وَأَنَّهَا تُغْنِي كَالطُّيُورِ،
وَتَبْكِي كَالْأَطْفَالِ، وَ تَصْفِرُ وَ تَضْحَكُ كَالْإِنْسَانِ.

نورا: هَلْ لِلدَّلَافِينَ أَعْدَاءٌ؟
الْأَبُّ: بِالتَّأَكِيدِ، تَحَسَّبُ الدَّلَافِينَ سَمَكُ الْقِرْشِ عَدُوًّا لَهَا، فَإِذَا وَقَعَ نَظَرُهَا
عَلَى سَمَكَةِ الْقِرْشِ، تَتَجَمَّعُ بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا، وَ تَضْرِبُهَا بِأَنْوْفِهَا
الْحَادَّةِ وَ تَقْتُلُهَا.

نورا: وَ هَلْ يُحِبُّ الدُّلْفِينُ الْإِنْسَانَ حَقًّا؟
الْأَبُّ: نَعَمْ؛ تَعَالَى نَقْرًا هَذَا الْخَبَرَ فِي الْإِنْتِرَنَتِ: ... سَحَبَ تَيْبَارُ الْمَاءِ رَجُلًا
إِلَى الْأَعْمَاقِ بِشِدَّةٍ، وَ بَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ: رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً
إِلَى الْأَعْلَى بِقُوَّةٍ، ثُمَّ أَخَذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ وَ لَمَّا عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ
مُنْقِذِي، مَا وَجَدْتُ أَحَدًا، وَلَكِنِّي رَأَيْتُ دُلْفِينًا كَبِيرًا يَقْفِزُ قُرْبِي فِي
الْمَاءِ بِفَرَحٍ.

الْأُمُّ: إِنَّ الْبَحْرَ وَ الْأَسْمَاكَ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ
مِنَ اللَّهِ.
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

الْنَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةٍ:
الْنَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ،
وَ النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ،
وَ النَّظَرُ فِي الْبَحْرِ.

اَدَى	ایفا کرد، منجر شد	تَجَمَّعَ	جمع شد	ضِعَفَ	برابر «ضِعْفَيْنِ: دو برابر»
أَرْشَدَ	راهنمایی کرد	تَيَّار	جریان	طُيُور	پرندهگان «مفرد: طَيْر»
أَرْضَعَ	شیر داد	جَمَاعِي	گروهی	عَرَفَ	معرفی کرد
أَعْلَى	بالا، بالاتر	حَادَّ	تیز	عَزَمَ	تصمیم گرفت
أَنْفَقَ	انفاق کرد	دَلَافِين	دلفین‌ها	عَتَى	آواز خواند
أَنُوفَ	بینی‌ها «مفرد: أَنْف»	دَوَّرَ	نقش	قَفَّرَ	پرید، جهش کرد
أَوْصَلَ	رسانید	ذَاكِرَة	حافظه	لَبَوْنَة	پستاندار
بِحَار	دریاها «مفرد: بَحْر»	رَائِع	جالب	كَذَلِكَ	همین‌طور
بَكَى	گریه کرد	سَمَكُ الْقِرْشِ	کوسه ماهی	مُنْقَذ	نجات‌دهنده
بَلَغَ	رسید	شَاطِئُ	ساحل «جمع: شَوَاطِئُ»	مَوْسُوعَة	دانشنامه
بَلَى	آری	صَفَرَ	سوت زد		



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- الدُّلْفَيْنُ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا.
- ۲- يُودِّي سَمَكُ الْقِرْشِ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ.
- ۳- سَمِعُ الْإِنْسَانِ يَفُوقُ سَمْعَ الدُّلْفَيْنِ عَشْرَ مَرَّاتٍ.
- ۴- سَمَكُ الْقِرْشِ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبَحَارِ.
- ۵- سَمَكُ الْقِرْشِ عَدُوُّ الدَّلَافِينِ.
- ۶- لِلدَّلَافِينِ أَنْوْفٌ حَادَّةٌ.

إِعْلَمُوا

الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ

در زبان فارسی به حروفی مانند «به، برای، بر، در، از» حروف اضافه و در عربی حروف جر می‌گویند.

به حروف « مِنْ ، فِي ، إِلَى ، عَلَى ، بِ ، لِ ، عَنْ ، كَ » در دستور زبان عربی «حروف جر» می‌گویند. این حروف به همراه کلمه بعد از خودشان معنای جمله را کامل‌تر می‌کنند. مثال: مِنْ قَرِيَةٍ ، فِي الْغَابَةِ ، إِلَى الْمُسْلِمِينَ ، عَلَى الْوَالِدَيْنِ ، بِالْحَافِلَةِ ، لِلَّهِ ، عَنْ نَفْسِهِ ، كَجَبَلٍ

به حرف جر، جار و به اسم بعد از آن مجرور و به هر دو اینها «جار و مجرور» می‌گویند.

أَهْمُ مَعَانِي حُرُوفِ الْجَرِّ

مِنْ از

﴿... حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ آل عمران: ۹۲

تا اتفاق کنید از آنچه دوست می‌دارید. (مِمَّا = مِنْ + ما)

﴿... أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ﴾ الإنسان : ۲۱

دست‌بندهایی از جنس نقره

مِنْ هُنَا إِلَى هُنَاكَ: از اینجا تا آنجا

فِي در

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ الْبَقَرَة : ۲۹

او کسی است که همه آنچه را در زمین است برایتان آفرید.

النَّجَاةُ فِي الصِّدْقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رهایی در راستگویی است.

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى﴾ الإسراء : ١
پاک است کسی که بنده اش را در شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد.
﴿قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضُ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِائَةً عَامٍ فَأَنْظِرْ إِلَى طَعَامِكَ
وَشَرَابِكَ﴾ الْبَقَرَة: ۲۵۹

گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز.» گفت: «نه، بلکه صد سال درنگ کردی؛ به خوراکت و نوشیدنی ات بنگر.»
كَانَ الْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَرْعَةِ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ. کشاورز از صبح تا شب در مزرعه کار می کرد.

النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مردم بر دین پادشاهانشان هستند.
عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ؛ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
به صفات برتر اخلاقی پایبند باشید؛ زیرا پروردگارم مرا به خاطر آن فرستاده است.
الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. أمير المؤمنين علي عليه السلام
روزگار دو روز است؛ روزی به سودت و روزی به زیانت.
الْحَقِيقَةُ عَلَى الْمِنْصَدَةِ. کیف روی میز است.

﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ الْعَلَق : ۳ و ۴
بخوان و پروردگارت گرامی ترین است؛ همان که به وسیله قلم یاد داد.
﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ﴾ آل عمران : ۱۲۳ و خدا شما را در [جنگ] بدر یاری کرد.

۱- كَمْ لَبِثْتُ؟ چقدر درنگ کرده ای؟ منظور این است که «چه مدتی در اینجا به سر برده ای؟».

۲- «عَلَيْكُمْ» اصطلاحی است که از معنای «جار و مجرور» خارج شده و معنای فعل یافته است.

لِ - برای ، از آن (مال) ، داشتن

﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ النساء: ۱۷۱

آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن اوست.

لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هر گناهی جز بداخلاقی توبه دارد.

﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ الكافرون: ۶

دین شما از آن خودتان و دین من از آن خودم.

لِمَاذَا رَجَعْتَ؟ - لَأَنِّي نَسِيتُ مِفْتَاحِي. برای چه برگشتی؟ - برای اینکه کلیدم را

فراموش کردم.

عَنْ - از ، درباره

﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ...﴾ الشورى: ۲۵

او کسی است که توبه را از بندگان می‌پذیرد و از بدی‌ها درمی‌گذرد ...

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ...﴾ البقرة: ۱۸۶

و اگر بندگانم از تو درباره من بپرسند، قطعاً من [به آنان] نزدیکم.

كَ - مانند

فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى أُمَّتِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برتری دانشمند بر غیر خود مانند برتری پیامبر بر امت خودش است.

اخْتَبَرِ نَفْسَكَ: عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُتَوَنِّةِ.

۱- الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ. أمير المؤمنين علي عليه السلام

۲- ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ...﴾ العنكبوت: ۲۰

نونُ الوقاية

در متن درس، کلماتِ «يُحَيِّرُنِي» و «أَخَذَنِي» را مشاهده کردید. وقتی که فعلی به ضمیر «ي» متصل می‌شود، نون وقایه بین فعل و ضمیر واقع می‌شود.

مثال: يَعْرِفُنِي: مرا می‌شناسد. اِرْقَعُنِي: مرا بالا ببر.
أَخَذَنِي: مرا بُرد. يُحَيِّرُنِي: مرا حیران می‌کند.



اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِّمْ هَذِهِ الْجُمْلَ.

۱- ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ﴾ إبراهيم: ٤٠

۲- اَللّٰهُمَّ اَنْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي، وَ عَلَّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ

۳- اِنَّ اللّٰهَ اَمَرَنِي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا اَمَرَنِي بِاِقَامَةِ الْفَرَائِضِ. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ

۴- اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي شَكُورًا، وَ اجْعَلْنِي صَبُوْرًا، وَ اجْعَلْنِي فِي عَيْنِي صَغِيْرًا وَ فِي اَعْيُنِ النَّاسِ كَبِيْرًا. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ



در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جَوارُ

(مَعَ مُشْرِفٍ^۱ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ)

مَسْئُولُ الْإِسْتِقْبَالِ ^۲	السَّائِحُ
السَّيِّدُ دِمَشْقِيّ مُشْرِفُ خَدَمَاتِ غُرْفِ الْفُنْدُقِ. مَا هِيَ الْمَشْكَلَةُ؟	عَفْوًا؛ مَنْ هُوَ مَسْئُولُ تَنْظِيفِ ^۳ الْغُرْفِ وَالْحِفَاطِ عَلَيْهَا؟
أَعْتَذِرُ مِنْكَ؛ رَجَاءً، اسْتَخْرَجْتُ سَاتِصِلَ ^۴ بِالْمُشْرِفِ.	لَيْسَتْ الْغُرْفُ نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ.
مَسْئُولُ الْإِسْتِقْبَالِ يَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ وَ يَأْتِي الْمُشْرِفُ مَعَ مُهَنْدِسِ الصِّيَانَةِ ^۵ .	
السَّائِحُ	مُشْرِفُ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ
لَيْسَتْ غُرْفَتِي وَ غُرْفُ زُمْلايِ نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ.	مَا هِيَ الْمَشْكَلَةُ، يَا حَبِيبِي؟!
فِي الْغُرْفَةِ الْأُولَى سَرِيرٌ ^۶ مَكْسُورٌ، وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّانِيَةِ شَرَشَفٌ ^۷ نَاقِصٌ، وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّلَاثَةِ الْمُكَيِّفُ لَا يَعْمَلُ.	سَيَأْتِي عُمَالُ التَّنْظِيفِ، وَ مَا الْمَشْكَلَاتُ الْأُخْرَى؟
تَسَلَّمَ عَيْنُكَ! ^۹	نَعْتَذِرُ مِنْكُمْ. سَنُصَلِّحُ ^۸ كُلَّ شَيْءٍ بِسُرْعَةٍ؛ عَلَى عَيْنِي.



۱- مُشْرِفٌ: مدير داخلي ۲- مَسْئُولُ الْإِسْتِقْبَالِ: مسئول پذیرش ۳- تَنْظِيفٌ: پاکیزگی ۴- اتَّصَلَ: تماس می‌گیرد
۵- صِيَانَةُ: تعمیرات ۶- سَرِيرٌ: تخت ۷- شَرَشَفٌ: ملافه ۸- نُصَلِّحُ: تعمیر می‌کنیم ۹- تَسَلَّمَ عَيْنُكَ: چشم‌



التَّمرينُ الأوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَقَاعِ.

- ١- عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي اللَّيْلِ، يَغْرُقُ كُلُّ مَكَانٍ فِي الظَّلَامِ.
- ٢- الطَّاوُوسُ مِنَ الطُّيُورِ الْمَائِيَّةِ يَعِيشُ فَوْقَ جِبَالٍ ثَلْجِيَّةٍ.
- ٣- الْمَوْسُوعَةُ مُعْجَمٌ صَغِيرٌ جِدًّا يَجْمَعُ قَلِيلًا مِنَ الْعُلُومِ.
- ٤- الشَّاطِئُ مِنْطَقَةٌ بَرِّيَّةٌ بِجِوَارِ الْبَحَارِ وَالْمُحِيطَاتِ.
- ٥- الْأَنْفُ عُضْوُ التَّنَفُّسِ وَالشَّمُّ^١.
- ٦- الْخُفَّاشُ طَائِرٌ مِنَ اللَّبُونَاتِ.

التَّمرينُ الثَّاني: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

أنوف / دَوْرَ / قَفَزَ / بَلَّغْنَا / أَسْرَى / أَسَاوَرَ / الذَّاكِرَةِ / تَيَّارُ

- ١- اشْتَرَى أَبِي لِأُخْتِي الصَّغِيرَةِ مِنْ ذَهَبٍ.
- ٢- كَانَ كُلُّ طَالِبٍ يَلْعَبُ هُ بِمَهَارَةٍ بِالْغَةِ.
- ٣- قَالَ الطُّلَّابُ: السَّنَةُ السَّادِسَةُ عَشْرَةَ مِنَ الْعُمُرِ.
- ٤- عَصَفَتْ رِيَّاحٌ شَدِيدَةٌ وَحَدَثَ فِي مَاءِ الْمُحِيطِ.
- ٥- أَنْصَحُكَ بِقِرَاءَةِ كِتَابٍ حَوْلَ طُرُقِ تَقْوِيَةٍ؛ لِأَنَّكَ كَثِيرُ النُّسْيَانِ.
- ٦- لَدَيْنَا زَمِيلٌ ذَكِيٌّ جِدًّا مِنْ الصَّفِّ الْأَوَّلِ إِلَى الصَّفِّ الثَّالِثِ.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ الْجَارِّ وَ الْمَجْرُورِ.

١- ﴿وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ النَّمْل: ١٩

٢- ﴿وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آل عمران: ١٤٧

٣- أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

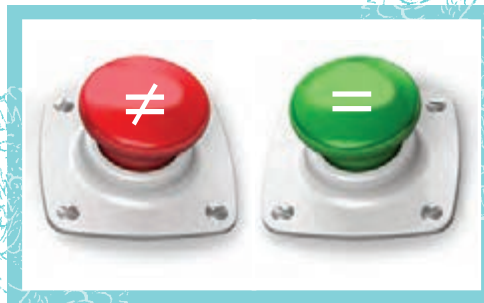
٤- عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥- جَمَالُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ وَتَمَرُّهُ الْعَمَلُ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الْتَمْرِينُ الرَّابِعُ : عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ. = ≠

بَعَثَ	صِغَار	شَاطِئ	أَرْسَلَ	بَكَى	كِبَار	أَقْل	صَوء	بَعُدَ	سَاحِل
صَحِكَ	ظَلَام	أَكْثَر	بَغْتَه	قَرَبَ	دَفَعَ	فَجَاءَ	كَنَمَ	إِسْتَلَمَ	سَتَرَ

..... =
..... =
..... ≠
..... ≠
..... ≠



الْتَّمَرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمْ كَلِمَاتِ الْجَدُولِ الْمُتَقَاطِعِ، ثُمَّ اكْتُبْ رَمَزَهُ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

يَبْلُغْنَ / صِغَار / ذَاكِرَة / عَفَا / بَكِي / مُنْقِذ / مَرَق / أَوْصَلَ / صَفَرُوا / غَنَيْتُمْ / سَمِعَ / طَيُور / حَادَّة /
دَوْر / لَبَوْنَة / كَذَلِك / جَمَارِك / زُبُوت / سَمَيْنَا / ظَاهِرَة / أَمَطَر / حَمِيم / ثُلُوج / سِوَار / رَائِع

رمز ↓

☐	☐	☐	☐	كوچكها	(١)
☐	☐	☐	☐	اين طور	(٢)
☐	☐	☐	☐	تيز	(٣)
☐	☐	☐	☐	پديده	(٤)
☐	☐	☐	☐	سوت زدند	(٥)
☐	☐	☐	☐	روغن ها	(٦)
☐	☐	☐	☐	نقش	(٧)
☐	☐	☐	☐	شنوایی	(٨)
☐	☐	☐	☐	جالب	(٩)
☐	☐	☐	☐	نجات دهنده	(١٠)
☐	☐	☐	☐	نامیدیم	(١١)
☐	☐	☐	☐	دستبند	(١٢)
☐	☐	☐	☐	گرم و صمیمی	(١٣)
☐	☐	☐	☐	برف ها	(١٤)
☐	☐	☐	☐	حافظه	(١٥)
☐	☐	☐	☐	پستاندار	(١٦)
☐	☐	☐	☐	پرندگان	(١٧)
☐	☐	☐	☐	رسانید	(١٨)
☐	☐	☐	☐	باران بارید	(١٩)
☐	☐	☐	☐	بخشید	(٢٠)
☐	☐	☐	☐	می رسند	(٢١)
☐	☐	☐	☐	ترانه خواندید	(٢٢)
☐	☐	☐	☐	گریه کرد	(٢٣)



قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«.....»

الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

١- ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ النَّبَأُ: ٤٠

٢- مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةً. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- أَلْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ:

صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ، أَوْ عِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

 عَيْنٌ فِي الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ تَرْجَمَةٌ مَا تَحْتَهُ خَطٌّ.

۱- ﴿رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْجِئَنِي بِالصَّالِحِينَ...﴾

پروردگارا، به من دانش ببخش و مرا به درستکاران پیوند بده؛

۲- ﴿وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ...﴾

و مرا از وارثان بهشت پرنعمت قرار بده؛

۳- ﴿وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ﴾

و روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند، رسوایم مکن؛

۴- ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ﴾ الشُّعَرَاءُ: ۸۸، ۸۷، ۸۵، ۸۳

روزی که نه دارایی و نه فرزندان سود نمی‌رسانند؛

۵- ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾ الْمَائِدَةُ: ۴۸

در کارهای خیر از هم پیشی بگیرید.

۶- ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَمْوَاتٌ وَلَكِنْ لَا

تَشْعُرُونَ﴾ الْبَقَرَةُ: ۱۵۴

و به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مُرده نگوئید،

بلکه زنده‌اند ولی شما نمی‌دانید.

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اِبْحَثْ عَنْ آيَاتِ أَوْ أَحَادِيثَ أَوْ أَمْثَالٍ لَهَا مُعَادِلٌ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ، كَالْأَمْثَلَةِ التَّالِيَةِ.

﴿وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ (البقرة: ۱۱۰)

برگ عیشی به گور خویش فرست کس نیارد ز پس، تو پیش فرست (سعدی شیرازی)

﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾ (الشورى: ۴۰)

بلی صامت سزای جنگ، جنگ است گلوخ انداز را پاداش سنگ است (صامت بروجردی)

﴿فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ (آل عمران: ۱۵۹)

گفت پیغمبر به آواز بلند با توکل زانوی اشتر بند (مولوی)





الدَّرْسُ الثَّامِنُ



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

جَمَالُ الْمَرْءِ فَصَاحَةُ لِسَانِهِ.
زِيَابِي آدَمِي شِيَوَايِي گَفْتَارَشِ اسْت.

صِنَاعَةُ التَّلْمِيعِ^١ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ

إِنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لُغَةُ الْقُرْآنِ وَالْأَحَادِيثِ وَالْأَدْعِيَةِ فَقَدْ اسْتَفَادَ مِنْهَا الشُّعْرَاءُ الْإِيرَانِيُّونَ وَ أَنْشَدَ بَعْضُهُمْ أَبْيَاتًا **مَمْزُوجَةً** بِالْعَرَبِيَّةِ وَالْفَارِسِيَّةِ وَ سَمَّوْهَا بِالْمُلَمَّعِ^٢؛ لِكَثِيرٍ مِنَ الشُّعْرَاءِ الْإِيرَانِيِّينَ مُلَمَّعَاتٌ، مِنْهُمْ حَافِظُ الشِّيرَازِيِّ وَ سَعْدِيُّ الشِّيرَازِيِّ وَ جَلَّالُ الدِّينِ الْمَعْرُوفُ بِالْمَوْلَوِيِّ.

مُلَمَّعُ حَافِظِ الشِّيرَازِيِّ لِسَانِ الْغَيْبِ

إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ هَجْرِكَ الْقِيَامَةِ
لَيْسَتْ دُمُوعُ عَيْنِي هُذِي لَنَا الْعَلَامَةُ^٣؟
مَنْ جَرَّبَ الْمُجَرَّبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَةُ
فِي بَعْدِهَا عَذَابٌ فِي قُرْبِهَا السَّلَامَةُ
وَاللَّهِ مَا رَأَيْنَا حُبًّا بِلا مَلَامَةٍ
حَتَّى يَذُوقَ مِنْهُ كَأْسًا مِنَ الْكَرَامَةِ^٤

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه
دارم من از فراقش در دیده صد علامت
هر چند کازمودم از وی نبود سودم
پرسیدم از طیبی احوالِ دوست گفتا
گفتم ملامت آید گر گردد دوست کردم
حافظ چو طالب آمد جامی به جان شیرین



١ و ٢- تلمیع: درخشان کردن، مُلَمَّع: درخشان (گونه‌ای شعر که بخشی به فارسی و بخشی به زبانی دیگر است. این آرایه را تلمیع می‌گویند).

٣- آیا این اشک‌های چشمم برای ما نشانه نیست؟

٤- حافظ همانند خواستاری آمد که جان شیرین بدهد و جامی بستاند، تا از آن جامی از کرامت بچشد.

مُلَمَّعُ سَعْدِي الشِّيرَازِي

سَلِ الْمَصَانِعَ رَكْبَاتِهِمْ فِي الْفَلَوَاتِ^۱ تو قدرِ آبِ چه دانی که در کنارِ فِراتی
 شِم به رویِ تو روزست و دیده‌ام به تو روشن
 اِگر چه دیر بماندم امید بر نگر فتم
 مَن آدمی به جمالت نه دیدم و نه شنیدم
 شَبان تیره امیدم به صبحِ رویِ تو باشد
 فَكَمْ تُمَرَّرُ عِيشِي وَأَنْتَ حَامِلُ شَهْدِ
 نه پنجِ روزهٔ عمرست عشقِ رویِ تو ما را
 وَصَفْتُ كُلَّ مَلِيحٍ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى
 أَخَافُ مِنْكَ وَ أَزْجُو وَ أَسْتَغِيثُ وَ أَدْنُو
 ز چشمِ دوست فتادم به کامهٔ دل دشمن
 وَأَحِبَّتِي هَجْرُونِي كَمَا تَشَاءُ عُدَاتِي
 وَ إِن شَكُوتُ إِلَى الطَّيْرِ نُحْنُ فِي الْوُكُنَاتِ^۲ فراقنامهٔ سعدی عجب که در تو نگیرد



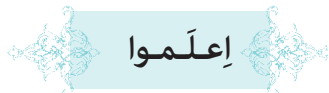
۱- از انبارهای آب دربارهٔ سوارانی که در بیابان‌ها تشنه‌اند بپرس. مصانع آبگیرهایی بودند که مزهٔ گوارایی نداشتند، ولی برای تشنگان بیابان نعمتی بزرگ بوده است.
 ۲- اگر خاک قبرم را ببویی، بوی عشق را می‌یابی.
 ۳- و اگر به پرندگان شکایت برم، در لانه‌ها شیون کنند.

آتی، آتٍ	آینده، در حال آمدن	سَلَّ	بپرس (اسأل)	مُجَرَّب	آزموده
إِسْتِغَاثٌ	کمک خواست	شَاءَ	خواست	مَحَامِد	ستایش‌ها
بَدِيعٌ	نو (برای نخستین بار)	شَكُوْتُ	شکایت کردم «إِنْ شَكُوْتُ: اگر شکایت کنم»	مَرَّرَ	تلخ کرد
بُعْدٌ	دوری	شَمَّ	بوید «شَمَمْتُ: بویدی»	مَصْنَعٌ	آب انبارهای بیابان
جَرَّبَ	آزمایش کرد	عَجِنَ	خمیر	مَلِیح	با نمک
حَلَّ	فرود آمد	عُدَاةٌ	دشمنان «مفرد: عادی»	مَمْرُوجٌ	درآمیخته
ذَاقَ	چشید	عَشِيَّةٌ	آغاز شب	نُحْنَ	شیون کردند ← نَاح
دَنَا	نزدیک شد	غَدَاةٌ	آغاز روز	وُدَّ	عشق
رَجَا	امید داشت	فَلَوَاتٌ	بیابان‌ها «مفرد: فَلَاةٌ»	وَصَفَّ	وصف کرد
رَضِيَ	راضی شد	قَدْ تَفَتَّشَ	گاهی جست‌وجو می‌شود	وُكِّنَاتٌ	لانه‌ها «مفرد: وُكْنَةٌ»
رُفَاتٌ	استخوان پوسیده	قُرْبٌ	نزدیکی	هَامٌ	تشنه و سرگردان شد
رُكِبَ	کاروان شتر یا اسب سواران	كَاسٌ	جام، لیوان	هَجَرَ	جدایی گزید، جدا شد



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- لَيْسَ لِحَافِظٍ وَ سَعْدِيٍّ مُلَمَّعَاتٌ جَمِيلَةٌ.
- ۲- يَرَى حَافِظُ الدَّهْرِ مِنْ هَجَرِ حَبِيبِهِ كَالْقِيَامَةِ.
- ۳- يَرَى حَافِظٌ فِي بُعْدِ حَبِيبِهِ رَاحَةً وَ فِي قُرْبِهِ عَذَابًا.
- ۴- يَرَى سَعْدِيٌّ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ سَوَاءً مِنْ هَجَرِ حَبِيبِهِ.
- ۵- قَالَ سَعْدِيٌّ: «مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ لَا تَأْتِي».



إِسْمُ الْفَاعِلِ وَ اسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اسْمُ الْمُبَالَغَةِ

در دستور زبان فارسی به اسم فاعل، صفت فاعلی و به اسم مفعول، صفت مفعولی می‌گویند.

اسم فاعل به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت» و اسم مفعول به معنای «انجام شده» است.

اسم فاعل و اسم مفعول دو گروه‌اند:

گروه اول بر وزن «فاعل» و «مفعول» هستند که در سال گذشته با آنها آشنا شده بودید.

ماضی	اسم فاعل	صفت فاعلی	اسم مفعول	صفت مفعولی
صَنَعَ	صَانِع	سازنده	مَصْنُوع	ساخته شده
خَلَقَ	خَالِق	آفریننده	مَخْلُوق	آفریده شده
عَبَدَ	عَابِد	پرستنده	مَعْبُود	پرستیده شده

اکنون با گروه دوم آشنا شوید.

مضارع	اسم فاعل	صفت فاعلی	اسم مفعول	صفت مفعولی
يُشَاهِدُ	مُشَاهِد	بیننده	مُشَاهَد	دیده شده
يُقَلِّدُ	مُقَلِّد	تقلید کننده	مُقَلَّد	تقلید شده
يُرْسِلُ	مُرْسِل	فرستنده	مُرْسَل	فرستاده شده
يَنْتَظِرُ	مُنْتَظِر	انتظار کشنده	مُنْتَظَر	مورد انتظار
يَتَعَلَّمُ	مُتَعَلِّم	یادگیرنده	مُتَعَلَّم	یاد گرفته شده
يَسْتَخْرِجُ	مُسْتَخْرِج	بیرون آورنده	مُسْتَخْرَج	بیرون آورده شده
يَتَهَاجِمُ	مُتَهَاجِم	حمله کننده	—	—
يَنْكَسِرُ	مُنْكَسِر	شکونده	—	—

با دقت در دو جدول داده شده فرق اسم فاعل و اسم مفعول را بیابید.

گروه اول: فعل‌هایی بود که سوم شخص مفرد ماضی آنها سه حرف بود و اسم فاعل و مفعولشان بر وزن فاعِل و مَفْعول بود.

گروه دوم: فعل‌هایی است که سوم شخص مفرد ماضی آنها بیشتر از سه حرف بود و اسم فاعل و مفعولشان با حرف «م» شروع می‌شود. یک حرف مانده به آخر در اسم فاعل کسره و در اسم مفعول فتحه دارد.

(اسم فاعل : مُـ ... — ...) ، (اسم مفعول : مُـ ... — ...)



اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ وَالدُّعَاءَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَاسْمَ الْمَفْعُولِ.

الْكَلِمَةُ	الترجمة	اسم الفاعل	اسم المفعول
يُعَلِّمُ : یاد می‌دهد	مُعَلِّم		
يَعْلَمُ : می‌داند	عَالِم		
اقترح : پیشنهاد کرد	مُقْتَرِح		
يُجَهِّزُ : آماده می‌کند	مُجَهِّز		
ضرب : زد	مَضْرُوب		
يَتَعَلَّمُ : یاد می‌گیرد	مُتَعَلِّم		

يا صانعُ كُلِّ مَصْنُوعٍ يا خالقُ كُلِّ مَخْلُوقٍ يا رازِقُ كُلِّ مَرْزُوقٍ يا مالِكُ كُلِّ مَمْلُوكٍ^۱

من دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

۱- يا مالِكُ كُلِّ مَمْلُوكٍ: ای دارنده هر داشته

اسم مبالغه بر بسیاری صفت یا انجام دادن کار دلالت دارد و بر وزن «فَعَّال» و «فَعَّالَة» است؛ مانند:



الْعَلَمَةُ الطَّبَائِبِيُّ

عَلَامَة (بسیار دانا)؛ فَهَامَة (بسیار فهمیده)؛

صَبَّار (بسیار بُردبار)؛

غَفَّار (بسیار آمرزنده)؛ كَذَّاب (بسیار دروغگو)؛

رَزَّاق (بسیار روزی دهنده)؛ خَلَّاق (بسیار آفریننده)



گاهی وزن «فَعَّال» و «فَعَّالَة» بر اسم شغل دلالت می کند؛ مانند:

خَبَّاز (نانوا)؛ حَدَّاد (آهنگر)



گاهی نیز بر اسم ابزار، وسیله یا دستگاه دلالت می کند؛ مانند:

فَتَّاحَة (در بازکن)؛ نَظَّارَة (عینک)؛ سَيَّارَة (خودرو)؛

ثَلَّاجَة (یخچال)



اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: لِلتَّرْجَمَةِ.

«أَمَّارَةٌ بِالسَّوْءِ»: «عَلَامُ الْغُيُوبِ»:

«الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ»: «سَاحِرٌ كَذَّابٌ»:

«حَمَّالَةُ الْحَطَبِ»: الطَّيَّارُ الْإِيرَانِيُّ:

«لِكُلِّ صَبَّارٍ»: الْهَاتِفُ الْجَوَّالُ:

رَسَامُ الصُّوَرِ: فَتَّاحَةُ الزُّجَاجَةِ:

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جَوازُ (شِراءُ شَرِيحَةٍ^۱ الْهَاتِفِ الْجَوَالِ)

مَوْظَفُ الْإِتِّصَالَاتِ ^۲	الرَّائِرَةُ
تَفَضَّلِي، وَ هَلْ تُرِيدِينَ بِطَاقَةَ الشَّحْنِ ^۳ ؟	رَجَاءً، أَعْطِنِي شَرِيحَةَ الْجَوَالِ.
تَسْتَطِيعِينَ أَنْ تَشْحَنِي رَصِيدَ ^۴ جَوَالِكِ عَبْرَ الْإِنْتِرْنِتِ.	نَعَمْ؛ مِنْ فَضْلِكَ أَعْطِنِي بِطَاقَةً بِمَبْلَغِ خَمْسَةِ وَ عِشْرِينَ رِيالاً.
تَشْتَرِي الرَّائِرَةَ شَرِيحَةَ الْجَوَالِ وَ بِطَاقَةَ الشَّحْنِ وَ تَضَعُ الشَّرِيحَةَ فِي جَوَالِهَا وَ تُرِيدُ أَنْ تَتَّصَلَ وَلَكِنْ لَا يَعْمَلُ الشَّحْنُ، فَتَذْهَبُ عِنْدَ مَوْظَفِ الْإِتِّصَالَاتِ وَ تَقُولُ لَهُ:	
أَعْطِنِي الْبِطَاقَةَ مِنْ فَضْلِكَ. سَامِحِينِي ^۵ ؛ أَنْتِ عَلَى الْحَقِّ ^۶ . أَبْدُلُ ^۷ لَكَ الْبِطَاقَةَ.	عَفَواً، فِي بِطَاقَةِ الشَّحْنِ إِشْكَالٌ.



۱- شَرِيحَةُ: سیم‌کارت ۲- إِتِّصَالَات: مخابرات ۳- شَحْن: شارژ کردن ۴- رَصِيد: شارژ ۵- سَامِحِينِي: مرا ببخش

۶- أَنْتِ عَلَى الْحَقِّ: حق با توست ۷- أَبْدُلُ: عوض می‌کنم



التمرين الأول: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ.

١- أَلْكَأْسُ زُجَاجَةٌ يُشْرَبُ مِنْهَا الْمَاءُ أَوْ الشَّايُّ أَوْ الْقَهْوَةُ.

٢- يُمَكِّنُ شِرَاءَ الشَّرِيحَةِ مِنْ إِدَارَةِ الْإِتِّصَالَاتِ.

٣- الرَّاسِبُ هُوَ الَّذِي مَا نَجَحَ فِي الْإِمْتِحَانَاتِ.

٤- غُصُونُ الْأَشْجَارِ فِي الرَّبِيعِ بَدِيعَةٌ جَمِيلَةٌ.

٥- يُصْنَعُ الْخُبْزُ مِنَ الْعَجِينِ.

التمرين الثاني: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

الْفَلَوَاتِ / بُعْدٍ / وَدٌّ / مَصَانِعُ / بَدَلٌ / فَتَشَ / اللَّيْلِ / يَرْضَى

١- الْغَدَاةُ بَدَايَةُ النَّهَارِ وَالْعَشِيَّةُ بَدَايَةُ

٢- رَأَيْنَا الشَّاطِئَ عَنْ عَبْرَ الطَّرِيقِ.

٣- رَجَاءٌ هَذَا الْقَمِيصَ؛ لِأَنَّهُ قَصِيرٌ.

٤- فِي لَا تَعِيشُ نَبَاتَاتٌ كَثِيرَةٌ.

٥- الشَّرْطِيُّ حَقَائِبَ الْمُسَافِرِينَ.

٦- أَخِي قَانِعٌ، بِطَعَامٍ قَلِيلٍ.

التَّمَرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ التَّرَاكِبَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اسْمَ الْمُبَالِغَةِ.

يا عَلَّامُ الْغُيُوبِ: يا سَتَّارَ الْغُيُوبِ:

يا عَقَّارَ الذُّنُوبِ: يا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ:

يا سَامِعَ الدُّعَاءِ: يا غَافِرَ الْخَطَايَا:

يا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ: يا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ:

يا خَيْرَ حَامِدٍ وَ مَحْمُودٍ: يا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِلطَّالِبِينَ:

التَّمَرِينُ الرَّابِعُ: ضَعْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

١- الرُّكْبُ ○ إِبْتِعَادُ الصَّدِيقِ عَنْ صَدِيقِهِ أَوْ الزَّوْجِ عَنْ زَوْجَتِهِ.

٢- الْكِرَامَةُ ○ هُوَ الَّذِي لَهُ حَرَكَاتٌ جَمِيلَةٌ وَ كَلَامٌ جَمِيلٌ.

٣- الْوُكْنَةُ ○ زِينَةُ مِنَ الذَّهَبِ أَوْ الْفِضَّةِ فِي يَدِ الْمَرْأَةِ.

٤- الْهَجْرُ ○ شَرَفٌ وَ عَظَمَةٌ وَ عِزَّةٌ النَّفْسِ.

٥- السَّوَارُ ○ بَيْتُ الطُّيُورِ.

٦- الْمَلِيحُ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- مَنْ قَالَ أَنَا عَالِمٌ فَهُوَ جَاهِلٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....(اسْمُ الْفَاعِلِ)

٢- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....(الْجَارَ وَ الْمَجْرُورَ)

٣- عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفٍ عَابِدٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....(الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ، وَ الْمُضَافَ إِلَيْهِ)

٤- الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ، وَالْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوِّ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....(الْمُبْتَدَأَ وَ الْخَبَرَ)

٥- كَاتِمُ الْعِلْمِ، يَلْعَنُهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحَوْثُ فِي الْبَحْرِ، وَالطَّيْرُ فِي السَّمَاءِ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....(اسْمُ الْفَاعِلِ، وَ الْجَارَ وَ الْمَجْرُورَ)

التَّمَرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَالْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنةِ.

١- ﴿لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ التَّمَل : ٦٥

٢- أَلْسُكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِصَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- أَلْكُتُبُ بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



٤- ثَمَرَةُ الْعَقْلِ مُدَارَةُ النَّاسِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع

٥- زَكَاةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع

كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِينَ

۱- ﴿وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾

و کسانی که از گناهان بزرگ و کارهای زشت می بخشایند. ، و هنگامی که

۲- ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾

و کسانی که [خواسته] را برآوردند و برپا داشتند؛

۳- ﴿وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ﴾

و در میان آنها مشورت هست؛

۴- ﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾

و از آنچه به روزی دادیم انفاق می کنند.

۵- ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ﴾

و هرگاه به آنان ستم شود، یاری می جویند؛

۶- ﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا﴾

و سزای بدی، بدی است؛

۷- ﴿فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾

پس درگذرد و اصلاح کند، پاداش او بر [عهده] خداست؛

۸- ﴿إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾

زیرا او ستمگران را الشوری: ۲۷ إلى ۴۰

أَيُّهَا الزُّمَلَاءُ ؛
إِلَى اللِّقَاءِ ،
نَنْتَظِرُكُمْ فِي الصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ ؛
حَفِظَكُمُ اللَّهُ ؛
فِي أَمَانِ اللَّهِ ؛
مَعَ السَّلَامَةِ .

